نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال بیستم- شماره ۸۴۴ یکشنبه ۲۵ تیر ۱۳۹۶- ۸ صفحه - ۱۰۰۰ تومان



مدیر کل تامین اجتماعی بوشهر :

۷۲۵۰ میلیارد ریال هزینه یکساله بیمه شدگان تامین اجتماعی بوشهر

صفحه ۲

توسعه استان بوشهر و یک بام و دو هوای محیط زیست

علی درویشی

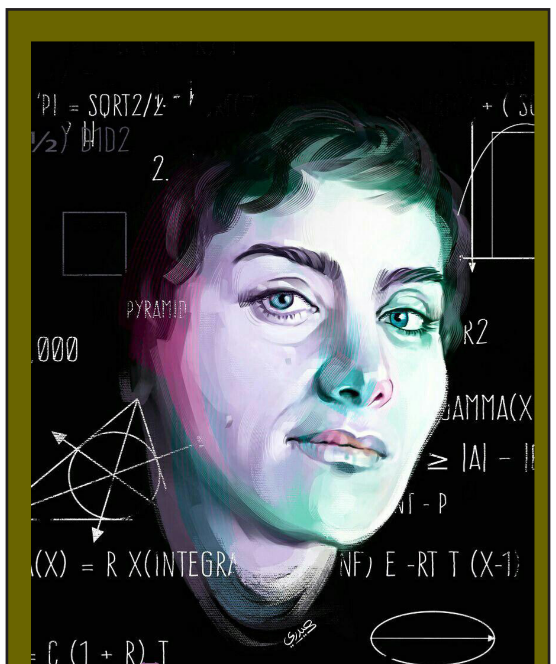
صفحه ۵

بیانیه حزب ندای ایرانیان شعبه بوشهر

لزوم استفاده از جوانان در عرصه مدیریتی استان بوشهر

صفحه ۸





سوگ مردانه برای زنانگی در ایران؛

از آتنا اصلانی تا مریم میرزاخانی



صفحه ۶

نسیم جنوب
۲
خبر
شماره ۸۴۴ یکشنبه ۲۵ تیر ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

مدیرکل تامین اجتماعی بوشهر:

۷۲۵۰ میلیارد ریال هزینه یکساله بیمه شدگان تامین اجتماعی بوشهر



مدیرکل تامین اجتماعی بوشهر گفت: در این استان ۳۶۰ هزار بیمه شده وجود دارد که برای رفاه حال آنها در سال گذشته در بخش های مختلف هفت هزار و ۲۵۰میلیارد ریال هزینه شده است.
به گزارش ایرنا، یونس خسروانی به مناسبت هفته گرامیداشت تامین اجتماعی در جمع خبرنگاران افزود: از این میزان هزینه سه هزار و ۹۰۰ میلیارد ریال در حوزه بیمه ای و سه هزار و ۳۵۰ میلیارد ریال در حوزه درمان هزینه شده است.
وی با بیان اینکه این هزینه برای ایجاد امید بیشتر با تدبیر در استان بوشهر انجام شده است، اظهار کرد: سال گذشته یکی از بهترین سالهای تامین اجتماعی در استان بوشهر است.
وی بیان کرد: تامین اجتماعی سازمانی چندجانبه گرایانه، عمومی، غیردولتی با استقلال مالی است.
خسروانی اظهار کرد: با توجه به اینکه تامین امنیت و رفاه یکی از مهمترین ارکان حیات مردم در دنیاست، سازمان تامین اجتماعی در ایجاد رفاه، امنیت اجتماعی و اقتصادی افراد زیر پوشش خود تلاش و برنامه ریزی می کند.
مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر گفت: تامین اجتماعی برای کاهش آلام کارگران و افراد زیر پوشش خود به صورت برنامه محور، دانایی محور از تمام توان خود بهره می گیرد.
وی با اشاره به اجرای طرح اس اس ان (تخصیص شماره تامین اجتماعی به هر ایرانی) گفت: با اجرای این طرح در زمان حاضر بیمه شدگان این سازمان در تمام مراکز ملکی تامین اجتماعی نیازی به ارائه دفترچه تامین اجتماعی ندارند.
خسروانی یادآور شد: در زمان حاضر ۱۵ شعبه اجرایی تامین اجتماعی و یک شعبه ممتاز نیز در روستای بیدخون در استان بوشهر فعال است.
وی افتتاح کارگزاری در روستای بیدخون را از جمله برنامه های هفته تامین اجتماعی در استان بوشهر عنوان کرد.
خسروانی همچنین رونمایی از موبایل تامین اجتماعی را از دیگر برنامه های این سازمان در هفته تامین اجتماعی یاد کرد و گفت: بیمه شدگان با شماره گیری #۱۴۲۰*۴* از طریق تلفن همراه می توانند وضعیت بیمه پردازی، فیش حقوقی مستمری بیگران و استعلام درمان خود را بررسی و دریافت کنند.
وی هدف از اجرای این طرح را کاهش بار مراجعه و هزینه مردم در تامین اجتماعی عنوان کرد.
خسروانی برطرف کردن مشکل بیمه ملوانان و صیادان را یکی از دغدغه های مردم ساحل نشین معرفی کرد و گفت: با توجه به اجرای طرح دریابست و بیکار شدن صیادان در این فاصله زمانی برطرف کردن این مشکل از وظایف تامین اجتماعی است.
وی تأکید کرد: در این ارتباط طرح بیمه ملوانان و صیادان در سازمان مرکز پژوهش برای بررسی تصویب شد که انتظار می رود با ارائه طرح جامعی در این زمینه مشکل این قشر برطرف شود.
مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر درباره بخشودگی جرائم گفت: از سال گذشته تا ششم اردیبهشت امسال به یکهزار و ۵۷۱ درخواست بخشودگی رسیدگی شد.
خسروانی افزود: درخواست کنندگان برای بخشودگی ۵۷۰ میلیارد ریال جرائم بیمه تامین اجتماعی ارائه کردند که ۱۰۰میلیارد ریال از جرائم کارفرمایان استان بوشهر بخشوده شد.
وی گفت: شهرداری‌های استان بوشهر ۳۲۰ میلیارد ریال معوقه حق بیمه تامین اجتماعی دارند که با پرداخت معوقه های خود می توانند از بخشودگی جرائم استفاده کنند.
وی بحران صندوقهای بیمه ای را از جمله مهمترین چالش های جدی آینده کشور عنوان کرد.
خسروانی با اشاره به پرداخت ۳۷۵ میلیارد ریال مستمری ماهانه افزود: با توجه به برنامه ریزی و درایت مجموعه تامین اجتماعی تاکنون تلاش شده تأخیری در پرداخت مستمری ها در استان به وجود نیاید.
وی یادآور شد: با پرداخت به موقع دیون می توان به تعهدات خود در مقابل مستمری بگیران عمل کرد.
خسروانی اظهار کرد: افزایش کف پرداختی ها به مستمری بگیران به ۱۱میلیون ریال از افتخارات دولت یازدهم است.
وی با اشاره به ثبات مدیریتهای تامین اجتماعی در دولت یازدهم و وجود نظارت ها گفت: در دولت یازدهم هیچ انحراف مالی در استان در این بخش نداشته و تعداد پرونده ها از ۱۸ به ۲ مورد که آن هم انضباطی بود کاهش یافته است.
خسروانی یادآور شد: استان بوشهر در آیتم های مدیریتی در کشور رده های اول تا سوم را دارد.
وی حوزه فعالیت تامین اجتماعی را در بخش بیمه ای، درمانی و سرمایه گذاری عنوان کرد و گفت: سرمایه گذاریها پاشنه آشیل سازمان به شمار می رود و در زمان حاضر در بسیاری از پتروشیمی های عسلویه به عنوان سهامدار و در پتروشیمی خارگ و جم نیز بنگاهداری می کند.



روایتی جدید از تماس تلفنی کری-ظریف پس از بازداشت ملوان‌های آمریکایی در آبهای بوشهر



«تریتا پارسی»، رئیس «نایاک»:
«ظرف چند ساعت بعد از دستگیری آنها، کری با همتای ایرانی خود جواد ظریف تماسی برقرار کرد. آنها پنج بار آن روز صحبت کردند، ولی در همان تماس دوم به توافق دست پیدا کردند. گفت‌وگوهای بعدی برای حل موضوعات لجستیکی و حل و فصل مسائل و سوء‌تفاهماتی بود که در طی این فرآیند مطرح شدند.»
«به عنوان مثال، در یک موقعیت ناوها و بالگردهای نیروی دریایی آمریکا در حال نزدیک شدن به جزایر ایرانی محل بازداشت ملوان‌ها بودند.»
مطابق این ادعا، ظریف با لحنی که حکایت از فوریت ماجرا داشت، به کری گفت: «لطفاً به نیروی دریایی‌تان بگویید نزدیک نشوند. ما دنبال درگیری نظامی نیستیم، ولی اگر هواپیماهای شما نزدیک شوند، مشکلات جدی خواهیم داشت.»
جان کری فوراً با «جوزف دانفورد»، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا تماس گرفته و از او خواسته که به عقب برگردند. کری به دانفورد گفت: «ما داریم خطر درگیری نظامی ایجاد می‌کنیم. آنها نشانه‌های مثبتی نشان می‌دهند مبنی بر اینکه قصد دارند این افراد را آزاد کنند، بنابراین باید بالگردها را به عقب برگردانیم و امتحان کنیم ببینیم حرفشان واقعی است یا نه.»
ظریف در زمان جاری بودن این تحولات، برای اثبات سالم بودن ملوان‌ها عکسی از آنها را از طریق ایمیل برای «جان کری» ارسال کرده است.

در جلسه مجمع نمایندگان استان بوشهر؛

معاون اول رئیس جمهوری: اجرای پروژه راه آهن بوشهر- شیراز با جدیت پیگیری شود

معاون اول رئیس جمهوری با بیان اینکه استان بوشهر کارکردی ملی برای کشور دارد گفت: اجرای پروژه راه آهن بوشهر- شیراز باید با جدیت پیگیری شود.
به گزارش ایرنا از پایگاه اطلاع رسانی معاون اول رئیس جمهوری، اسحاق جهانگیری در جلسه دیدار مجمع نمایندگان استان بوشهر، با بیان اینکه مردم استان بوشهر همواره چه پیش از انقلاب و چه پس از انقلاب اسلامی برای حفظ عزت ایران ایستادگی کرده اند، این استان را یکی از قطب های اصلی انرژی کشور برشمرد و افزود: حجم بالای صادرات نفت و گاز و وجود میادین مشترک در استان بوشهر از امتیازات و ویژگی های مهم این استان است که باعث شده استان بوشهر کارکردی ملی برای کشور داشته باشد.
معاون اول رئیس جمهوری با اشاره مصوبه اخیر شورای اقتصاد مبنی بر ضرورت پذیرفتن مسئولیت فرهنگی و اجتماعی شرکت مجری پروژه در پارس



جنوبی، خاطرنشان کرد: وقتی طرح های بزرگ در کشور اجرا می شود باید درصدی از منابع مالی صرف ارائه خدمات فرهنگی و اجتماعی به مردم ساکن اطراف پروژه شود تا مردم احساس نکنند که سهم آنها از اجرای این طرح ها فقط مسائل زیست محیطی و عوارض نامطلوب ناشی از طرح ها است.
جهانگیری همچنین با ابراز امیدواری نسبت به تصویب هرچه سریعتر ایجاد منطقه آزاد در هشت استان و از جمله استان بوشهر در مجلس شورای اسلامی، تصریح کرد: تصویب ایجاد هشت منطقه آزاد، مدت زیادی به طول انجامیده و دولت علی رغم مخالفت با تصویب محدوده این مناطق اما به درخواست مجلس شورای اسلامی محدوده ها را نیز مشخص کرده و امیدوارم هرچه زودتر شاهد تصویب آن از سوی مجلس شورای اسلامی باشیم چراکه مناطق آزاد فرصتی بزرگ در جهت توسعه استان های مرزی کشور است.
معاون اول رئیس جمهوری همچنین با اشاره به پروژه احداث راه آهن بوشهر- شیراز، ضرورت اجرا و تکمیل این طرح را مورد تأکید قرار داد و از معاون نظارت و هماهنگی خود خواست، جلسه ای با حضور سازمان برنامه و بودجه، وزارت راه و شهرسازی و سایر دستگاه های مرتبط برای بررسی راهکارهای تأمین مالی این پروژه برگزار و موضوع را با جدیت پیگیری کنند.
جهانگیری با بیان اینکه بخش زیادی از مردم استانهای بوشهر، خوزستان و هرمزگان از راه کالاهای ملوانی و ته لنجی امرار معاش می کنند، بر لزوم تعیین ساز و کاری برای حمایت از فعالان در این زمینه و ساماندهی این نوع اشتغال تأکید کرد و افزود: طرح ساماندهی کالاهای ملوانی که در کمیسیون اقتصادی دولت در دست بررسی است باید هرچه سریع تر نهایی و در جلسه هیأت وزیران تعیین تکلیف شود.
وی همچنین با اشاره به اینکه مردم این استان در همه مقاطع حضور به موقع داشته و قوت قلب برای کشور بوده اند گفت:آنان در انتخابات اخیر ریاست جمهوری نیز با رأی بالا و آگاهانه به دکتر روحانی نقش خود را ایفا کردند.
در این جلسه استاندار بوشهر نیز گزارشی از آخرین وضعیت استان در بخش های مختلف اشاره کرد و به تشریح برخی مشکلات و کاستی های استان پرداخت.
نمایندگان مردم استان بوشهر در مجلس شورای اسلامی هم در این نشست، مهمترین دغدغه ها و اصلی ترین چالش های استان را تشریح کردند و خواستار توجه بیش از پیش دولت برای حل مسائل استان بوشهر شدند.
ساماندهی کالای ملوانی، اجرای پروژه راه آهن بوشهر- شیراز و همراهی بانک ها در پرداخت تسهیلات به سرمایه گذاران این استان از مهمترین درخواست ها و پیشنهادات نمایندگان مردم استان بوشهر در این جلسه بود.

تولید برق پرهزینه و سخت است مدیریت مصرف برق را جدی بگیریم

راهکارهای کاهش هزینه برق در تابستان

قبل از اینکه بخواهیم در مورد روش های کاهش رقم قبض برق صحبت کنیم، لازم است که در مورد تعرفه برق در ساعات مختلف شبانه روز بگوییم. از منظر تعرفه های برق، ۲۴ ساعت شبانه روز به ۳ دسته تقسیم می شود: ساعات اوج بار، میان بار و کم بار. در ساعات اوج بار قیمت برق بالا می رود و در ساعات کم بار به شدت کاهش پیدا می کند. ساعات اوج بار بین ۲۰ تا ۲۴ است. ساعات کم بار ۲۴ تا ۸ صبح و ساعات میان بار ۸ تا ۲۰ است. البته در فصل تابستان زمان پیک بار مصرف علاوه بر این ساعات، از ساعت ۱۳ تا ۱۷ نیز می باشد.
لذا توصیه های زیر را مو به مو بخوانید و اجرا کنید تا هزینه برق در تابستان کاهش یابد.
کولر: یکی از پرمصرف ترین وسایل برقی خانگی، کولرهای گازی است. استفاده از این کولرها، هزینه برق شما را به شدت افزایش می دهد. (بنابراین تا حد امکان از یک کولر گازی استفاده کنید، همچنین نصب کندانسورهای کولر گازی در سایه باعث جلوگیری از اتلاف میزان قابل توجهی از انرژی مصرفی این کولرها خواهد شد؛ علاوه بر این موارد به این نکته نیز توجه کنید که برای استفاده از کولر گازی بهتر است کولرهای دارای آرم استاندارد و با رتبه انرژی بالا انتخاب شود، در صورتی که از یک کولر گازی با گرید A به جای کولر با گرید G استفاده شود بیش از ۴۰ درصد در میزان مصرف برق صرفه جویی خواهد شد.
همچنین موارد دیگری مانند تمیز کردن فیلترهای کولر و نصب سایبان روی کولر می تواند هزینه های مربوط به کولر گازی را کاهش دهد.
* سعی کنید درجه کولر گازی را بین ۲۳ الی ۲۶ درجه تنظیم کنید و این بهترین و مطلوبترین دما است.
* سعی کنید در طول روز کولر را روشن نگذارید و همچنین از دور آهسته کولر استفاده کنید.
* با نصب یک سایبان روی کولر، از اتلاف انرژی جلوگیری کنید.
یخچال و فریزر: یکی از پرمصرف ترین وسایل برقی خانگی، یخچال و فریزر می باشد. با وجود اینکه یخچال در تمام ساعات شبانه روز به برق وصل است ولی مدت زمان واقعی روشن بودن یخچال به عواملی مانند مدت زمان باز بودن در آن، درجه حرارت تنظیم شده آن و همچنین به شرایط محیط اطراف آن بستگی دارد. برای اینکه بتوانید هزینه برق یخچال خود را به حداقل برسانید به موارد زیر توجه کنید و در اجرای آنها کوشا باشید:
* سعی کنید یخچال حداقل ۲۰ سانتی متر با دیوار فاصله داشته باشد تا گردش هوا به درستی انجام گیرد و موتور یخچال زمان کمتری روشن بماند.
* به این نکته مهم نیز توجه کنید که به دلیل نشستن گرد و خاک بر لوله های پشت یخچال، انتقال حرارت به خوبی انجام نمی شود. بنابراین سعی کنید حداقل سالی دو بار لوله های پشت یخچال را تمیز کنید.
* از باز و بسته کردن بی دلیل در یخچال خودداری کنید، زیرا این کار باعث اتلاف انرژی می شود. همچنین سعی کنید در یخچال را زیاد باز نگه ندارید، چون دمای گرم محیط وارد یخچال می شود و موتور دستگاه برای اینکه دمای داخل یخچال را تنظیم کند، انرژی زیادی را هدر می دهد.
* برای کاهش مصرف برق و همچنین برای اینکه فشار زیادی به موتور یخچال وارد نشود، غذاهای گرم را داخل یخچال قرار ندهید تا انرژی زیادی برای سرد کردن آن به هدر نرود.
* برفک های یخچال و فریزر را به طور منظم آب کنید زیرا با افزایش قشر برفک، مصرف انرژی بالا می رود.
* بایستی در حد امکان در موقع خرید یخچال و فریزر از بین مدل های مشابه، یخچال و فریزری را انتخاب کنید که با توجه به برچسب انرژی، دارای بیشترین بازدهی و کارایی باشد چرا که انتخاب یخچال فریزری با یک رتبه انرژی بهتر، تقریبا به ازای هر رتبه ۱۷ درصد کاهش مصرف انرژی خواهد داشت که در مجموع مصرف انرژی خانوار را حدود ۷ درصد کاهش می دهد.
ماشین لباس شویی و خشک کن:
* ابتدا به علامت استاندارد ایمنی و برچسب مصرف انرژی دقت کنید. بیشترین انرژی برقی که ماشین لباس شویی مصرف می کند، صرف گرم کردن آب می شود. بنابراین برای اینکه برق کمتری استفاده کنید و پول کمتری بپردازید، بهتر است در صورت امکان از آب گرم لوله کشی منزل برای تأمین آب گرم ماشین لباس شویی استفاده کنید و یا از ماشین های لباس شویی که دارای دو ورودی آب گرم و سرد می باشند استفاده کنید، در این صورت می توان از ورودی آب گرم به جای استفاده از المنت برای گرم کردن آب سرد استفاده کرد. کم کردن درجه حرارت آب برای شست وشو مثلاً از ۹۰ درجه به ۶۰ درجه نیز به میزان ۱۵-۱۰ درصد از مصرف برق می کاهد.
* سعی کنید ماشین لباس شویی را با ظرفیت کامل به کار بگیرید و فقط زمانی که آن را پر از لباس کرده اید از آن استفاده کنید. البته به این نکته مهم نیز توجه کنید که اگر ماشین لباس شویی را بیش از ظرفیت آن پر کنید که لباس ها خوب شسته نشوند و مجبور به آب کشی مجدد شوید در واقع هیچ نوع صرفه جویی انجام نداده اید و پولتان را بیهوده تلف کرده اید.
* در صورت امکان از هوای آزاد برای خشک کردن لباس استفاده کنید تا هزینه و انرژی مربوط به خشک کن لباس را کاهش دهید ولی اگر می خواهید از خشک کن لباس استفاده کنید به این نکته توجه داشته باشید که ماشین های لباس شویی که درِ آنها در طرف جلو قرار دارد نسبت به ماشین های لباس شویی که درِ آنها در طرف بالا قرار دارد بهتر و بیشتر آب لباس ها را می گیرند و همچنین با استفاده از آنها زمان کمتری برای خشک کردن لباس ها صرف می شود.
* مهمترین نکته ای که می بایست رعایت شود که تأثیر بسیاری در مبلغ صورتحساب برق مصرفی دارد زمان استفاده از لباس شویی می باشد که بهتر است در ساعت های ۲۳ به بعد یعنی ساعت های کم بار انجام شود.
«روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر»

نسیم جنوب
مقاله
شماره ۸۴۴ یکشنبه ۲۵ تیر ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

اصول‌گرایان و کابینه دوازدهم، یاللعجب!

مصطفی دانده: این روزها برخی از تحلیل‌گران و فعالان سیاسی به رییس جمهور روحانی پیشنهاد می‌کنند در دولت دوازدهم از اصول‌گرایان استفاده کند. آن‌ها بر این باور هستند روحانی باید دولت ائتلافی را تشکیل دهد.
قبل از ورود به بحث بهتر است سؤالی را مطرح کنیم. اصول‌گرایان چه کسانی هستند؟
در ادبیات سیاسی امروز ایران، جریان محافظه کار یا اصول‌گرایان کسانی هستند که در دایره مخالفان روحانی تعریف می‌شوند. کسانی که در طول چهار سال دولت یازدهم و انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم تمام تلاش خود را انجام دادند تا روحانی را ناکارآمد نشان دهند و زمینه تک دوره‌ای بودن او را فراهم کنند.
آن‌ها در طول ۴ سال دلواپس تمام فعالیت‌های روحانی بودند. محافظه کاران در انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم با تمام قوا وارد صحنه شدند تا روحانی را شکست دهند. حدود ۱۰ چهره سرشناس اصول‌گرا در انتخابات ریاست جمهوری ثبت نام کردند که در نهایت سه نفر آن‌ها یعنی سید ابراهیم رییسی، محمدباقر قالیباف و مصطفی میرسلیم از سد شورای نگهبان عبور کردند و وارد کارزار انتخابات شدند.
در جریان مناظره‌های انتخابات ریاست جمهوری نیز این جریان، رییس جمهور روحانی را «دروغ گو» و «ناکارآمد» معرفی کرد که هیچ دستاوردی برای کشور نداشته است.
در روز انتخاب اما مردم از بین حسن روحانی و محافظه‌کاران، رأی خود را به صندوق روحانی ریختند تا بگویند خواستار ادامه تفکر اعتدال در کشور هستند.
حالا که اصول‌گرایان را شناختیم به بحث اصلی این نوشتار وارد می‌شویم. رییس جمهور روحانی باید در کابینه خود از کسانی استفاده کند که با او همفکر و همسو باشند. وزرای روحانی باید همانگونه به برجام نگاه کنند که رییس جمهور نگاه می‌کند. آن‌ها به مسئله احزاب و آزادی‌های مدنی همانگونه نگاه کنند که روحانی نگاه می‌کند.
نمی‌شود وزیری را وارد کابینه کرد که تلاش کرده است روحانی رییس جمهور نشود. بر چه اساسی فردی که در طول ۴ سال تمام سازهایی که زده است برخلاف ساز دولت بوده است، باید به کابینه راه پیدا کند؟
روحانی احتیاج به کسانی دارد که گیوه‌های خود را بکشند و برای موفقیت دولت دوازدهم تلاش کنند. روحانی «هم دل» می‌خواند. اصول‌گرایان با روحانی هم دل نیستند. آن‌ها می‌خواهند برای ادامه حیات سیاسی خود سهمی در دولت آینده داشته باشند.
محافظه کاران از صحنه سیاسی کشور با رأی مردم کنار گذاشته شده‌اند و حالا می‌خواهند به وسیله کابینه روحانی به صحنه برگردند.
در کجای دنیا، رییس جمهور از مخالفان سرسخت خود در کابینه استفاده می‌کند. آن هم رییس جمهوری که رأی اکثریت مردم را به خود اختصاص داده است.
دولت دوازدهم دولت اصلاح طلبان هم نیست. دولت دوازدهم دولت کسانی است که مثل روحانی فکر می‌کنند. اصلاح طلبانی که مثل روحانی فکر نمی‌کنند هم نباید به دولت دوازدهم راه پیدا کنند.
دولت دوازدهم، دولت چیدن میوه برجام و سیاست خارجی و داخلی روحانی است. این چیدن میوه احتیاج به افرادی دارد که همه به یک روش در باغبانی اعتقاد دارند.
asriran.com

مدیرکل انتقال خون بوشهر مطرح کرد؛

دعوت از بوشهری‌ها برای اهدای خون در تابستان

مدیرکل انتقال خون استان بوشهر از مردم استان خواست به منظور تأمین نیاز بیماران، برای اهدای خون در تابستان اقدام کنند.
کرامت نامداری در گفت‌وگو با خبرنگار مهر اظهار داشت: با توجه به فصل گرما نیاز بیماران به خون ثابت است ولی اهدای خون کاهش می‌یابد که انتظار می‌رود مردم توجه بیشتری به اهدای خون داشته باشند.
وی افزود: به همین دلیل نیاز به اهدا خون در استان در گروه های خونی مختلف بیشتر است و افرادی که می توانند به پایگاه های انتقال خون مراجعه کنند.
مدیرکل انتقال خون استان بوشهر تصریح کرد: بیماران برای تداوم زندگی خود نیازمند خون هستند و امیدواریم هم‌استانی‌ها مانند دیگر زمان‌ها در فصل تابستان نیز نسبت به اهداء خون توجه داشته باشند.
وی خاطرنشان کرد: اهداء خون، اهداء زندگی است و اهداء کنندگان به این توجه داشته باشند که دریافت‌کنندگان برای ادامه زندگی خود به آن نیاز دارند.
ناموری بیان کرد: نیاز خون استان محدود به یک گروه خونی خاص نیست و به گروه های مختلف نیاز است.

اهل فرهنگ و رسالت معاصر بودن(۲)

اهل فرهنگ و بازشناسی صداهای محروم و خاموش

متن سخنرانی دکتر مصطفی مهرآیین در دانشگاه تبریز



فرض کنید من به همه این ویژگی های پنج گانه به زعم آگامبن مجهز شدم. فرض کنید من انسانی دارای قدرت فاصله گرفتن از دوران و زمانه خود شدم، فرض کنید من انسانی دارای قدرت سکنی گزیدن در شکاف ها و گسستگی های زمان خودم شدم، و یا فرض کنیم من فاصله گرفتن از زمان را آموختم و تبدیل به موجودی شدم که قادر است با کسب وکار شجاعت به تاریکی های دورانش زل بزند و مقهور تابناکی ها و روشنایی های دورانش نشود. و یا فرض کنیم تبدیل به موجودی شدم که زمان را به شکل خطی تحلیل نکنم و گسست های زمانی را ببینم که باعث رخدادهای حقیقت شده اند. اکنون پرسش این است من اگر همه این ها را به عنوان یک اهل فرهنگ به دست آوردم، این روش شناسی و سبک زندگی به چه کار من خواهد آمد؟ کدامیک از حوزه های زندگی از نظر آگامبن و دیگر متفکرانی که در ادامه از آنها حرف خواهم زد، مهم است که با مجهز بودن به این رویکردها باید به آن ها حمله کنیم و مورد چالش قرار دهیم، چون تمام آن چیزی که آگامبن به ما می گفت ساده بود: انسان معاصر؛ انسانی است که مجهز به علامت سؤال است. این ساده ترین تعریفی هست که می شود از انسان معاصر کرد. اما چه قلمروهایی از زندگی را آگامبن و دیگران مورد سؤال قرار دادند؟ من به برخی از آن ها اشاره می کنم و سپس جمع بندی می کنم.
یکی از مهمترین مفاهیمی که آگامبن به کار برده؛ مفهوم آپاراتوس است. آپاراتوس یعنی دستگاه. آگامبن می گفت که در درون دنیای الهیات مسیحی، نوعی اقتصاد الهیات داریم. ادعای اقتصاد الهیات این بود که خداوند حاکم بر جهان است اما در کنار این حاکم بودن بر جهان، باید بتواند حاکم بودن خود را تجلی عینی و عینیت ببخشد. خداوند باید مجهز به وسایل و ابزاری باشد که بتواند با استفاده از آن و بواسطه آن اراده خود را تجلی ببخشد. به اعتقاد آگامبن تاریخ مسیحیت به ما نشان می دهد که این ابزار دستگاه روحانیت مسیحیت یا همان دستگاه کشیشان بود. کشیشان می خواستند تجلی گاه قدرت خداوند باشند. به باور آگامبن، «سوژه سازی» مهم ترین وظیفه کشیشانی بود که به عنوان ابزار تجلی خداوند عمل می کردند. آن ها وظیفه داشتند که مردم را مورد خطاب خداوند قرار دهند و مردم را به موقعیت هایی همچون گناه، توبه، بخشش، عبادت، و....فراخوانند که خداوند برای آن ها مشخص ساخته است. «سوژه سازی» اما در نظریه لویی آلتوسر معنایی سیاسی تر می یابد. به باور آلتوسر سوژه سازی چیزی جز همان استیضاح کردن یعنی کسی را به یک موقعیت فرا خواندن و او را مورد خطاب قرار دادن نیست. مثال ساده خود آلتوسر این بود: می گفت وقتی پلیس به شما بگوید: ایست، شما احساس می کنید که مجرم هستید.به باور آلتوسر و البته آگامبن قدرت سیاسی نیز همچون خداوند در پی جلوه عینی بخشیدن به قدرت خود است و نیازمند ابزارها و وسایلی است که این کار را برای او انجام دهند و دائماً مردم را به موقعیت هایی همچون تولید، مصرف، کار، اطاعت، آموزش، انتخابات، و....فرا خوانند؛ موقعیت هایی که عملی شدن آن ها به معنای ممکن شدن سیاست و قدرت است و نتیجه نهایی آن ها تبدیل کردن انسان ها به سوژه هایی است که مقهور قدرت هستند. آلتوسر مجموعه این ابزار و وسایل را چنین مفهوم سازی می کند: «دستگاه ایدئولوژیک دولت».
انسان معاصر در مقابل این دولت و آپاراتوس آن چه کار می تواند انجام دهد؟ دستگاه های ایدئولوژیک دولت دو تا ویژگی دارند: یا شما را پر می کنند یا شما را تهی می کنند. برای این که شما را سوژه قدرت کنند یا باید به شما شخصیت بدهند و پر از ایده های خاص کنند یا از هر ایده خاصی تهی کنند که قابل کنترل شوید. این یکی از سیاهی ها و تاریکی های دوران ماست. یکی از مهمترین وظایف اهل فرهنگ این است که در مقابل نظم های ایدئولوژیکی که ما را به پر شدن از آن ها و یا تهی شدن از هر چیزی دعوت می کنند، مقاومت کنند. باید با همان ویژگی های معاصر بودن، در برابر تمام دستگاه های ایدئولوژیکی ایستاد و پرسید که این ایدئولوژی ها با من چه می کنند؟ و از من چه می سازند؟ این را باید سؤال کرد. وقتی شما با دنیای سینما، نقاشی، رمان، شعر و ادبیات روبرو هستید؛ این نیست که شما فقط دارید یک فیلم می بینید و یک کتابی می خوانید. این آثار با شما کاری می کنند. به زبان متفکران امروزی مانند اتین بالیبار و پی یر ماشری، سؤال این نیست که ادبیات چیست؟ یا سینما چیست؟ سؤال این است که ادبیات با تو چه می کند؟ سینما با تو چه می کند؟ به اعتقاد این متفکران، نه تنها محتوای سینما و ادبیات ممکن است ایدئولوژیک است، بلکه فرم و شکل آن نیز ایدئولوژیک است. الگوی روایی اش هم ایدئولوژیک است؛ الگوهای روایی فرهنگ و هنر رسمی شما را به یک نظم خاص سوق می دهند و شما را به یک نوع بودن و زندگی کردن و زیستن خاص در نظم اجتماعی موجود دعوت می کنند. نظم بخشی یا همان Ordering یکی از مهمترین وظایف دستگاه های ایدئولوژیک است. البته این نکته را نباید فراموش ساخت که هدف از نظم بخشی تنها نظم بخشی به ذهن انسانها نیست. دستگاه های ایدئولوژیک قدرت در پی نظم بخشی به تن و بدن انسان ها نیز هستند؛ آن ها می خواهند فیزیک و طبیعت شما را نیز در قالب خاصی نظم بخشند و در قالب همان نظم و روایت با بدن و تن و حیات شما روبرو شوند و برای مدیریت آن قوانین و رفتارها و هنجارها و ارزش های سیاسی تعریف نمایند. این شیوه عمل دستگاه های ایدئولوژیک قدرت ما را به سمت پرداختن به یک مفهوم دیگر در مجموعه اندیشه های آگامبن می برد: مفهوم «اردوگاه».
"اردوگاه" از مفاهیم جدی در اندیشه آگامبن است. اردوگاه جایی است که تن ها و کالبدها در آن اسیرند. با این حال، چیزی فراتر از این است. اگر رسالت اول اهل فرهنگ چنان که گفتیم مقاومت در برابر دستگاه های ایدئولوژیک دولت ها است و اهل فرهنگ باید دائما به صورت بندی و باز صورتبندی این مسأله و پرسش بپردازند که دستگاه های ایدئولوژیک از ما چه می سازند؛ وظیفه و رسالت بعدی اهل فرهنگ این است که به صورتبندی چندین و چند باره این پرسش بپردازند که اردوگاه ها با تن و کالبد من چه می کنند؟ جامعه ای که بخش بخش آن تبدیل به اردوگاه های کوچک و بزرگ شده است، با تن و کالبد من چه می کند و از آن چه می سازد؟ آگامبن معتقد بود ما با وجود دو نوع اخلاق در جهان روبرو هستیم: الف) اخلاق مبتنی بر قانون و ب) اخلاق مبتنی بر مکاشفه. اخلاق مبتنی بر قانون همین اخلاق متداول هست، همین قانونی هست که وجود دارد. اخلاق مبتنی بر قانون همان اخلاقی است که هدفش چیزی جز کنترل و مدیریت و سرکوب روان و ذهن و تن انسان نیست تا بتواند از این طریق قدرت خود بر انسان را اعمال نماید. با باور آگامبن، اخلاق مبتنی بر قانون یکی از اشکال اردوگاه سازی از جامعه است که یک مدیریت اجرایی خشک و غیراحساسی و تهی از عواطف انسانی را بر جامعه حاکم می سازد تا آنجا که می تواند تن انسان را تبدیل به قربانی سازد و انرژی حیات را از آن خارج کند. آگامبن ما را دعوت می کند که به تن انسان و بیولوژی او حرمت بگذاریم. به باور وی، بیولوژی انسان مقدم بر اجتماع هست. تن انسان موجودی نیست که از او قربانی ساخت و آن را کشت. نکته بعدی آگامبن این است که می گفت اگر به سمت اخلاق مبتنی بر مکاشفه نرویم و صرفا اخلاق مبتنی بر قانون را دنبال کنیم، به قانون یک ویژگی خاص می بخشیم: قانون سرکوب می کند، کنترل می کند، اما حمایت نمی کند. اگر جامعه را تبدیل به اردوگاه کنیم، قانون ساز و کارش این خواهد شد که فقط کنترل و سرکوب می کند، ولی هیچگاه حمایت نخواهد کرد. آگامبن در ادامه می گفت که شکافی بین قانون و اعمال قانون خواهد افتاد و چون رابطه ای بین این دو نیست، خشونت در جامعه ایجاد خواهد شد. به عبارت دیگر، در اخلاق مبتنی بر قانون ما فقط مجریان قانون می شویم و به پیامدهای بعدی که انسان را تضعیف می کند نمی پردازیم. نتیجه اش این خواهد بود که به مردم به عنوان ابزار نگاه خواهد شد. وقتی می خواهیم از مردم رأی بگیریم، می گوییم شما مردم هستید و یک کلیتی هستید که نظام را می سازید، اما همین که ماجرا تمام شد، به حمایت از مردم بی اعتنا می شویم و مردم را در برخورد با سازوکارهای اجرایی و مدیریتی جامعه، بویژه در مواجهه با بوروکراسی و قانون، تنها رها می کنیم. به باور آگامبن، ما در هیچ چیز مشترک نیستیم جز انسان بودنمان. در این صورت اگر به انسان بودنمان توجه نکنیم تبدیل به فرقه هایی خواهیم شد که به جان هم می افتیم و در قبال هم همچون یک اردوگاه قربانی ساز عمل می کنیم. آگامبن معتقد است انسان معاصر، باید بر اساس اخلاق مبتنی بر مکاشفه به خلق یک روایت احساسی از زندگی خود و همنوعانش بپردازد که در آن به هیچ شکلی نمی توان بر دیگران خشونت روا داشت.
متفکر بعدی ژاک لوک نانسی است. نانسی اصطلاحی دارد تحت عنوان "همبودگی های غیراجرایی". نانسی معتقد است ما انسان ها آمدیم زندگی اجتماعی را ساختیم، به این دلیل که فکر می کردیم به عنوان انسانها قادر به خلق یک اجتماع اخلاقی-انسانی هستیم، اما این همبودگی غیراجرایی ما تبدیل به یک همبودگی اجرایی شد که در آن ساختارها و سازمان ها و قوانین و بوروکراسی و منافع بر انسان اولویت و ارجحیت یافتند و زمینه نابودی انسان را فراهم کردند. به باور نانسی، در نظامهای کمونیستی سیاست مبدل به ظلم و ستم و استبداد شد و جامعه مبدل به میدانی برای منازعه منافع و جنگ منافع شد. هم بودگی اجرایی یعنی جامعه ای که در آن مردم فقط به منافع خود می اندیشند، در حالیکه "همبودگی غیر اجرایی" یعنی یادآوری دائمی این اصل بنیادین که ما در درون "ما" زندگی می کنیم. فروپاشی "ما" یعنی نابودی تک تک ما. خانواده که فروپاشید همه ما نابود می شویم. اگرچه «موفقیت» یک پدیده فردی است، «خوشبختی» یک پدیده کاملا جمعی است. اگر فقط به منافع خودتان فکر کنید، همه "ما" بازنده ایم. به باور نانسی، تلاش برای تبدیل زندگی اجتماعی گرفتار در منافع به یک زندگی انسانی انباشته از عدالت و عاطفه و عشق یکی از مهمترین وظایف اهل فرهنگ است.
در همین جا از متفکر بعدی ریچارد رورتی کمک می گیرم. رورتی معتقد بود ما در جهان با سه الگوی رستگاری روبروییم: الگوی رستگاری دین، الگوی رستگاری علم و بالاخره الگوی رستگاری ادبیات و هنر. الگوی رستگاری نخست یعنی دین ریشه در رابطه ای غیرشناختی با یک موجود غیرقابل شناسایی بود به نام خداوند دارد. به باور رورتی، الگوی رستگاری دوم یعنی الگوی علم ریشه در رابطه ای شناختی با مجموعه ای از گزاره های قابل شناخت دارد که حاصل شناخت انسان از جهان اند. الگوی سوم همان الگوی ادبیات و هنر است که ریشه در یک رابطه غیرشناختی با انسانهای ناشناخته دارد. زمانی که یک قطعه شعر یا رمان می خوانیم یا به تماشای یک فیلم می نشینیم با انسانهایی آشنا می شویم که آن ها را نمی شناسیم، اما درد و رنج آنها را حس می کنیم و می فهمیم. موقعیت ها و وضعیت هایی همچون عاشقی، دردمندی، تنهایی و از هم گسیختگی را می شود در ادبیات تجربه کرد. ادبیات ما را به رستگاری نهفته در درون ادبیات دعوت می کند. به باور رورتی، وظیفه اهل فرهنگ بازخوانی کردن ادبیات، ابداع کردن شعر و احیا کردن رمان، سینما، نقاشی، و تئاتر است در کنار اندیشه های سیاسی، فلسفه و علم. آنتون آرتو معتقد بود تئاتر مثل یک طاعون است، اما یک فرق دارد: در طاعون شما با کشندگی یک بیماری روبرو هستید اما در تئاتر با منازعات بی پایان انسانی آشنا می شویم و می توان در اجرای تئاتر، اجرای زندگی را با همه پیچیدگی هایش زنده کرد و تجربه کرد. این جا ما با شکلی غیر شناختی با تجربه های انسان های ناشناخته رو به رو هستیم. ما به عنوان انسان خود سوژه تجربه می شویم: سوژه تجربه یعنی خاموشی زبان. لزوما نباید جهان را در زبان تجربه کرد، باید در دستان تجربه کرد. مثل آن تعبیری که هایدگر داشت؛ می گفت این تابلوی نقاشی که شکل کفشی است که در گل مانده است را می شود تحلیل علمی کرد و هزاران نکته تکنیکی بر آن نگاشت. اما می شود این گونه نیز تجربه کرد که این کفش پای پیرزنی است که باری بر دوش دارد و در درون گل و لای مانده است. ما بیش و پیش از اینکه نیازمند الگوهای رستگاری بخش علم و دین باشیم (که البته قطعاً هستیم)، در کنار آن دو نیازمند الگوی رستگاری بخش ادبیات نیز هستیم.
از این بحث زبانی رو می کنم به میخاییل باختین. باختین معتقد بود زندگی ما چیزی نیست جز قصه ها و روایت ها. به باور باختین در هر کجا استبداد باشد، در دو جا استبداد ممکن نیست: یکی در واژه و دیگری در رمان. به باور باختین از آنجا که واژه های زبان در طول تاریخ انباشته از معانی متفاوت شده اند تا بتوانند منافع گروه های مختلف جامعه را به تماشا درآورند، زبان در حالت طبیعی خود چند صدا و متکثر است. او معتقد بود اگر چه قدرت ها دوست ندارند همه صداهای موجود در زبان زنده باقی بماند، رمان و واژه را هرگز نمی توان تک صدا ساخت. از این رو، وظیفه اهل فرهنگ آن است که با ارزش قائل شدن برای ادبیات، به ویژه رمان، امکان طرح صداهای متفاوت موجود در جامعه را برای خود فراهم آورند و به این آگاهی دست یابند که در کنار آن ها انسان های دیگری نیز وجود دارند که از ویژگی های خاص خود برخوردارند: یک روحانی، یک انسان سالمند، جانبازی که کسی به او سر نمی زند، دانشجویی که از تحصیل محروم شده، کارگری که فاقد کار هست. همه اینها دارای صداهایی هستند که ما وظیفه داریم آن ها را بازشناسیم و مانع از خاموشی و فراموشی آن ها شویم. زبان یک جامعه باید متکثر و حتی فراتر از تکثر، متنوع باشد.



گذر از بوشهر (۱۳)

از وجناتشان سلامت احساس می‌شد و از چهره‌هایشان خوش‌خلقی می‌بارید

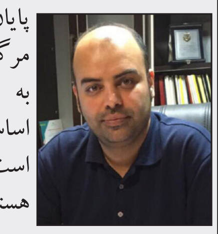
بر اساس سفرنامه "سه سال در آسیا" نوشته گوبینو به کوشش سیدحسن رضوی

برگردیم به بوشهر. به زودی به دالکی رسیدیم و مشاهده کردیم که چادرهایمان را در وسط مزرعه‌ای برافراشته‌اند و روستاییان با کوزه‌های آب و کاسه‌های شیر و قطعات یخ انتظارمان را می‌کشند. میز را چیده بودند و ناهار حاضر و همه چیز مرتب بود.
دالکی دهی زیبا و نسبتا ثروتمند است. ویرانه‌های زیادی دارد ولی خانه‌هایی که برپا هستند وضع خوبی دارند. بسیاری از آنها از سنگ ساخته شده‌اند که در ایران بسیار کمیاب است. با دقت بیشتر بر ویرانه‌ها در می‌یابیم که بیشترشان به دورانهای اخیر تعلق دارند و از تخریب و یا فقر کشور ناشی نشده‌اند. عادات روستاییان ایرانی بیشتر بر اساس کوچ‌نشینی است و هر وقت به هر دلیلی از محلی خوششان نیاید آن را ترک می‌گویند و در نتیجه ده دستخوش ویرانی می‌شود. نکته دیگر اینکه ایرانیان هرگز خانه‌هایشان را مرمت نمی‌کنند و هر وقت خانه‌ای کهنه شد برایشان راحت‌تر، دلپذیرتر و ارزانتر است خانه جدیدی در کنار آن و یا دورتر از آن بسازند.
خانه‌های دالکی خصیصه‌ای دارند که در جای دیگری ندیده‌ام و آن اتاقهای بسیار بزرگ است که یک بخاری دیواری عظیم به شکل تنور گرد در وسط آن قرار گرفته و دود آن از سوراخی که در سقف تعبیه شده خارج می‌شود. این شیوه با بخاریهای معمولی ایرانی که شبیه به مال ماست ولی به طرز دیگری تعبیه شده متفاوت است.
ده تقریبا خالی از سکنه بود زیرا در این فصل دهقانان دشتهای گرم و سوزان را رها کرده و با دامهایشان به کوهستانهای اطراف پناه می‌برند. مردان دالکی به نظرم زیبا آمدند. از وجناتشان سلامت احساس می‌شد و از چهره‌هایشان خوش‌خلقی می‌بارید. آنچه برایم جالب توجه بود این بود که بسیاری از آنان موهایی به رنگ روشن و حتی بور داشتند. زنان که اصلا حجاب نداشتند و این امر نزد مردم روستایی بسیار عادی است. ما در حاشیه یک نخلستان اقامت کرده بودیم و تا صبح علاوه بر زوزه کشیدن و رفت و آمد شغالها، بوی شدید گوگرد نیز ما را شدیدا آزار می‌داد و مانع از خوابیدن‌مان می‌شد. اما دمیدن صبح همه ناراحتیها را برطرف کرد و ما دوباره سوار بر اسب شدیم و به سوی کوهها به راه افتادیم.
در تهران به حضور ناصرالدین شاه رفتیم. اعلی حضرت در آن زمان بیست و پنج یا بیست و شش سال داشت. چهره شاه زیبا و نجیب بود. ریش بسیار کوتاه و سبیلهای بلندی دارد. دارای چشمانی ریز و باهوش است. تند تند حرف می‌زند تا چنانچه می‌گویند کمرویی ذاتی‌اش را پنهان سازد.
ما در فصل گرما رسیده بودیم و به خصوص از کاشان به بعد دریافته بودیم که تابستانهای ایران سوزان است. تعدادی از اعضای سفارت بیمار شده بودند و شخص وزیرمختار به شدت رنجور بود و با تحلیل قوا مبارزه می‌کرد. هوا خفقان‌آور بود و همه شهر را ترک نموده و در دامنه کوههای البرز در فاصله دو سه فرسنگی تهران در منطقه وسیعی که شمیران نام دارد و شامل دهات و باغهای متعددی است چادر زده بودند. ما در رستم‌آباد که ده زیبایی در دو فرسخی شمال تهران و بسیار نزدیک به کاخ نیاوران اقامتگاه شاه می‌باشد، مستقر شدیم. اما بخت با ما یاری نکرد که به انجام وظایف خود در شرایط مساعد روزهای اولیه ادامه بدهیم.
بیماری وبا شروع به سرایت در میان اعضای سفارت کرد و در دوره شدت گرما توسعه یافت و بسیاری از همکارانمان را از دست دادیم. طی آن سال دبیر دوم سفارت، سه خدمتکار اروپایی، زن اتاقدار فرانسوی و تعداد زیادی خدمتکاران ایرانی ما درگذشتند. بدین‌سان ما خراج خود را به مقدار زیادی به سرزمین آسیا پرداختیم.
مطلبی که فراموش شد بگوییم تعداد زیاد شاعران در ایران است که مشکل می‌توان بهترین‌شان را نام برد. هر شهری شاعر خودش را دارد که خود را برتر از سایرین می‌شمارد. شعرای مزبور غالبا غزل می‌سرایند و گاهی نیز کسانی پیدا می‌شوند که قوه تخیل‌شان فراتر می‌رود. مثلا در یک شهر کوچک در جنوب ایران ملای فقیری وجود دارد که مشغول سرودن اشعار مهمی است که دنباله و مکمل شاهنامه فردوسی به شمار می‌رود و تاریخ ملی ایرانیان را از قرن یازدهم میلادی به بعد به نظم درآورده است.

ادب و هنر
شماره ۸۴۴ یکشنبه ۲۵ تیر ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

آن لحظه آشنا که ساعت سرخ از تپش باز می ماند

بابک شاکر



پایان کبوتر باشد یا نباشد، مرگ مرگ است. بشر همواره به این مفهوم که از مسائل اساسی حیات بوده می‌اندیشیده است. تولد / مرگ مفاهیمی هستند که با وجود تقابل با هم، یکدیگر را کامل می کنند.

ریشه‌های مرگ‌اندیشی را می‌توان از اسطوره‌ها پی گرفت؛ اسطوره‌هایی که شامل تفکرات خاصی درباره مفهوم مرگ هستند. چیستی و ماهیت مرگ سؤالات بسیاری را به ذهن بشر می‌آورد. سؤالاتی که ریشه در باورهای بنیادینی دارند که اغلب حول محور ایدئولوژی و تخیل می‌چرخند. آیا مرگ پایان زندگی است؟ آیا زندگی پس از مرگ وجود دارد؟ آیا مرگ گذر از یک مرحله به مرحله‌ای دیگر از حیات است؟

ایده مرگ در یک پارادایم ناشناخته بی آنکه تغییری در آن ایجاد شود، همواره در زبان کائنات جاری است. هرچه می گذرد البته بشر امروز با تکیه بر مفاهیم علمی، باورداشت‌های خود را درباره مرگ تغییر می‌دهد و نگاهی عقلایی و بازاندیشی دیگرگونی نسبت به این مقوله دارد. اما در هر صورت سؤال اساسی درباره ماهیت مرگ برجاست. گاه این مرگ اندیشی پای از دایره عموم فراتر می‌نهد و به قلمرو هنر و قلم قدم می‌نهد. دکتر محمد صنعتی این مرگ باوری در هنر را زیبایی شناسی سیاه / مرگ می‌نامد. می توان گفت اندیشه مرگ موتور محرکی است برای تخیل که خلاقیت انسان را برای آفرینش آثار هنری به جنبش درمی آورد و یکی از مهم‌ترین وجوه ادبیات است که در قرن‌های متمادی در نوشته‌ها و اشعار رخ می‌نماید. فردوسی در براعت استهلال رزم رستم و سهراب ابیاتی بی‌همتا درباره مرگ می‌سراید:

ستمکاره خوانیمش از دادگر
هنرمند خوانیمش از بی هنر
اگر مرگ داد است بیداد چیست؟
ز داد این همه بانگ و فریاد چیست؟

یا بیهقی در تاریخ خود از زبان حسنک وزیر که اسیر چنگ مرگ است می گوید: «جهان خوردم و کارها راندم و عاقبت کار آدمی مرگ است. اگر امروز اجل رسیده است باز نتواند داشت...»

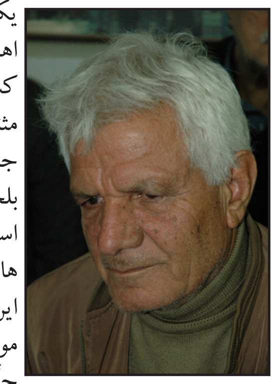
کمتر شاعر یا نویسنده‌ای را می‌توان یافت که درباره این مفهوم سخن نگفته باشد. از حافظ و سعدی و قاآنی تا شاملو و فروغ فرخزاد. این نشانگر عمق این مسأله فلسفی و ذهن جوینده بشر است که پیرامون آن بال‌زنان در حرکت است حتی اگر به هیچ اوجی نرسد. اما جدای از مسأله هنر و ادبیات نکته‌ای که بسیار جالب می‌نماید، عزیز بودن مرگ در جنب هراسناکی آن است. گویی دو وجه زشتی و زیبایی در مرگ به هم می‌آمیزد. مرگ چونان عفریتی چنگ می‌اندازد و آدمی را به دندان گرفته، می‌برد اما به همان اندازه زیباست و دوست داشتنی. آن که اسیر مرگ شده (خصوصا اگر دامنگیر شهرت باشد) عزیزترین انسان روی زمین می‌شود. قلم‌ها برایش به تراوش درمی‌آیند و او را از پستوها بیرون می کشند. تصویر مرگ در اینجا از سیاهی به سمت سپیدی می‌رود و نوعی هم‌اندیشی و همراهی بین انسان‌ها به وجود می‌آورد که گاه سویه‌ای طنزآمیز و حتی آزاردهنده پیدا می کند؛ سویه‌ای که خود مرگ را نیز انگشت به دهان می گذارد! اینجا مفهوم مرگ از مسیر اندیشگانی خود فاصله می گیرد و قدم در ساحت نمایش می گذارد. نمایشی که بازیگر اصلی آن بی آن که خود را خبری باشد، تبدیل به یکی از دوست‌داشتنی ترین کاراکترها می‌شود! متنی نمایشی که بدل به هایپرتکستی بی بدیل می‌شود و در تمامی شبکه‌های تو در توی این دهکده جهانی سرک می کشد. و این همنشینی یک سنت نخ‌نما با تکنولوژی امروزین است. همنشینی که گاه چشم‌ها را می آزارد و سر را به سرسامی سخت مبتلا می کند. این مسأله خود پژوهشی آسیب شناختی - جامعه شناختی می طلبد و سفر به تو در توی روان انسان تا دریافته شود که علت این شیفتگی چیست و آیا پرداخت به مرگ و مردگان ارتباطی به پاسخ سؤالات بشر درباره چیستی مرگ دارد؟ و آیا این مراسم سوگواری که کاملا ریشه در باورهای کهن دارد کمکی به سرگشتگی انسان در مورد این پدیده رمزناک و معمای ناگشوده دارد؟ هر چه هست از نظر رفتارشناختی که بررسی کنیم، در پس تمامی این کنش ها و حتی آیین های سوگ می شود هراسها و امیدهای نوع بشر را جست. گویی تمامی این رفتارها (چه موردپسند ما باشد و چه نباشد) بازتاب خواسته ها و باورهای آدمی هستند و نمودهایی برای هویت اجتماعی او. شاید آدمی در مرگ دیگری، خویشتن خویش را جستجو می کند و تمامی رفتارهایش واکنشی هستند در برابر پدیده مرگ؛ واکنشی که در پس آن می خواهد زنده بودن خویش را اعلام کند...

*برگرفته از شعر "من مرگ را زیسته ام"، شاملو

انگیزه سرایش مولوی به کتابت مثنوی...

به دست من امروز جز این قلم نیست به امید آن که خدمتی کرده باشم

ناصر علیخواه



یکی از آثار حائز اهمیت فرهنگ کشورمان ایران کتاب مثنوی، نوشته ی مولانا جلال الدین محمد بلخی (۶۰۴-۶۷۲ ق) است. در پی بررسی های مختلف نسبت به این انگیزه که سرایش مولوی به کتابت مثنوی چگونه انجام گرفته همواره این دغدغه ی درونیم بود، که به این مهم کم تر پرداخته شده است.

مولانا جلال الدین محمد بلخی (۶۰۴-۶۷۲ ق) چنان که در مقدمه ی کتاب مثنوی می گوید: «این کتاب را به استدعای حسام الدین چلبی سروده است»(۲) در سبب سرودن مثنوی آورده اند که چون حسام الدین می بیند بعضی یاران الهی نامه (حدیقه) سنایی و منطق الطیر و مصیبت نامه عطار مطالعه می کنند شبی در خلوت به مولانا می گوید که دواوین غزلیات بسیار شد، اگر چنانچه به طرز الهی نامه حکیم و اما به وزن منطق الطیر کتابی باشد تا در میان عالمیان یادگار بماند و مونس جان عاشقان و دردمندان گردد، به غایت مرحمت و عنایت خواهد بود، و این بنده می خواهد که یاران وجیه من جمیع الوجوه توجه کلی به وجه کریم شما کنند، و به چیز دیگر مشغول نشوند که مثنوی را چون تو مبدأ بوده ای- گر فزون گردد تواش افزوده ای(۳)

مولانا از سر دستار خود هجده بیت آغاز مثنوی را بیرون می آورد و به حسام الدین چلبی می سپارد و پس از آن نیز در حالت سماع و حمام و قعود و قیام و نهوض و آرام به انشاء مثنویات مداومت نمودن گرفت، همچنان اتفاق افتادی که از اول شب تا مطلع الفجر املاء می کرد و حضرت چلبی حسام الدین به سرعت تمام می نبشت و مجموع نبشته ها را به آواز خوب بلند باز بر حضرت مولانا می خواند، و چون مجلد اول به اتمام رسید، حضرت چلبی به تلاوت ابیات و تصحیح الفاظ و قیود مشغول گشته مکرر می خواند «و چون ناگاه حرم چلبی وفات یافته و فترتی در آن میان واقع شد. بعد از دو سال تمام دوباره حال روحی حسام الدین بهبود می یابد و از مولانا می خواهد تا به سرودن مثنوی ادامه دهد»(۴)

از نوشته ی شمس الدین احمد افلاکی (وفات ۷۶۱ق) در مناقب العارفین بر می آید که حسام الدین پس از آن که مثنوی را کتابت می کرده و احتمالاً اصلاحات و تغییراتی نیز در آن اعمال می کرده است.

منقول است که حسام الدین چلبی مجموع مجلدات مثنوی را بر حضرت خداوندگار هفت بار فرو خواند و سماع جانی کرده استماع فرمود و بر رموز و کنوز اسرارش مطلع گشته مطلع انوار اسرار الهی شده و تمامت مشکلات مثنوی را حرفاً حرفاً و الفاً الفاً حل کرده و با زر حمل ثبت فرموده اعراب نهاد و هر که از خلفای عظام (۵) حضرت ایشان سماع کرده و نسخه ساخت همانا نسخه ی صحیح و معتمد علیه آن است و بر آن مزید نیست» این نسخه صحیح و معتمد علیه مثنوی ظاهراً باقی نمانده است، و در انجام نسخه ی قونیه مورخ ۶۷۷ ق کاتب نوشته است که آن را از نسخه ی مصحح که در حضور حسام الدین و سلطان ولد بر قونیه مولانا خوانده شد. استنساخ شده است، و اما اشکال در این است که احمد افلاکی در جایی دیگر تعداد ابیات شش مجلدی = مجلدی مثنوی را ۲۶۶۶۰ بیت دانسته است.(۶) ولی طبق شمارش نسخه ی قونیه ۲۵۶۰۷ با احتساب حواشی کهنه ۲۵۶۶۵ بیت دارد که، نادرست است و از روند استنساخ و نشر مثنوی و در زمان حیات مولانا اطلاع چندانی نیست و متأسفانه تاکنون نیز تحقیق جامعی بدین منظور در نسخ خطی قدیم این کتاب صورت نگرفته است»(۷)

«افلاکی از شخصی به نام بهاءالدین بحری با عنوان «کاتب الاسرار» یاد می کند»(۸)

که در زمان حیات مولانا نیز از اشعار او و از تصرف کاتبان مصون نبوده و مولانا خود نیز از این مسئله گله داشته است. و شیخ فخرالدین سیواسی از اصحاب قدیم مولانا که کاتب اشعار او و هم بوده گاه آنها را تحریف می کرده و میل خود در آن دست می برده است. شیخ فخرالدین سیواسی مردی بود ذوفنون و در آن عهد کتابت اسرار معانی را برعهده او بود ناگاه در او جنونی ظاهر شد که حضرت مولانا همین غزل را همان روز فرمود. «ای عاشقان، ای عاشقان یک لولی دیوانه شد-طشطش فتاد از بام مانک سوی مجنون خانه شد»(۹)

پس طبعاً در روزگار زندگانی شاعر نسخی از دفاتر مختلف کتاب برگرفته می شده و به دست خواهندگان آن می رسیده است. معقول است



بپذیریم از روی این دست نسخ نیز بعدها استنساخ می شده است و اشتباه نوشتاری نیز به چشم می خورده است. از طرفی به واسطه انجام نسخه مشهور قونیه می دانیم که مولانا در سروده های نخستین خود تغییراتی جزیی داده است»(۱۰)

به همین جهت است که نسخه های قدیم مثنوی را می توان در دو گروه کلی طبقه بندی کرد، باید توجه داشت که این دو گروه از نسخ با یکدیگر تفاوت های اساسی از نوعی که مثنوی را ورای دو روایت دانیم ندارد.

اختلاف ها غالباً در کم و زیاد کردن بیتی چند و عوض کردن بعضی کلمات یا مصاریح است. «به عقیده نیکلسون یک گروه از نظر فن شعر درست تر از گروه دیگر است و باید روایت این گروه از نسخ را صورت نهایی مثنوی دانست» (۱۱ نیکلسون ص ۱۹- نسخه های قونیه را که ۶۷۷ در گروه درست تر است).

کهن ترین نسخه های تاریخ دار مثنوی:(۱۲) ماهنامه بخارا شماره ۱۰۴-بهمن و اسفند ۱۳۹۳

۱- دفتر ششم در دارالکتب مصر در قاهره شماره عمومی ۶۲۶۴ کتابت در سال ۶۷۴ق

۲- دفتر اول تا ششم موزه مولانا در قونیه شماره ۵۱ کتابت ۶۷۷ ق

۳- دفتر چهارم کتابخانه سلیمانیه مجموعه نافذ پاشا شماره ۶۵۹ کتابت ۶۸۰ ق

۴- دفتر اول کتابخانه سلیمانیه در استانبول مجموعه نافذ پاشا کتابت ۶۸۰ ق

۵- دفتر اول تا ششم در موزه مولانا در قونیه شماره ۱۱۹۳ کتابت ۶۸۷ ق

۶- دفترهای اول تا ششم کتابخانه مراد ملا در استانبول شماره ۳۱۱ کتابت ۶۹۵ ق

۷- دفتر ششم کتابخانه سلیمانیه در استانبول مجموعه حضرت خالد- شماره ۱۸۲ کتابت تاریخ ندارد.

۸- دفتر چهارم موزه مولانا در قونیه به شماره ۲۰۳۶ تاریخ کتابت ندارد.

۹- دفتر چهارم مرکز احیاء میراث اسلامی در قم به شماره ۲۹۴۳

از مولوی دیدار وی با بزرگان، سیر و سلوکش، پیروان و مریدان، به ویژه شمس تبریزی بسیار خوانده و شنیده ایم. اما در بازخوانی آثار او و به خصوص مثنوی دریچه تازه ای به روی خواننده گشوده می شود و آیا به واقع این اثر می تواند جایگاهی در زندگی انسان جویای راه سعادت امروز داشته باشد؟ با توجه به این که مولوی در مثنوی که گفته می شود امر تعلیمی اوست بیشتر به ترفندهای روان شناسانه که هم اکنون بسیار معمول است رو می آورد. به هر روی شاخصه ی عملکرد مولانا در مثنوی ورود به تأویل در پرداخت از آیات قرآن و احادیث است و وسعت نظر وی بی تردید بسیار ارزشمند و گران بهاست در پایان چند بیتی از مثنوی و قراول بشنو از نی که سرآمد و آگاهی به انسان در جهت شناخت خود و پیرامون خو اوج آغازین مثنوی است تقدیم می دارد.

بشنو این نی چون حکایت می کند
از جدایی ها حکایت می کند
کز نیستان تا مرا ببریده اند
در نفیرم مرد و زن نالیده اند
هر کسی کو دور ماند از اصل خویش
باز جوید روزگار وصل خویش
سرّ من از ناله ی من دور نیست
لیک چشم و گوش را آن نور نیست
آتشست این بانگ نای و نیست باد
هر که این آتش ندارد، نیست باد
بند بگسل، باش آزاد ای پسر
چند باشی بند سیم و بند زر؟

پی نوشت ها:

۱- ابوالحسن علی بن زیدبیهقی

۲- مثنوی: دفتر ۱صص۱-۲ ماهنامه بخارا شماره ۱۰۳- بهمن و اسفند ۱۳۹۳ صفحه ۱۵

۳- همان دفتر ۴ صفحه ۲۷۸

۴- مناقب العارفین ۷۳۹ و صفحه ۷۴۳- نوشته شمس الدین احمد افلاکی (وفات ۷۶۱ق)

۵- مناقب العارفین صفحه ۶۲۸

۶- حاجی بن محمد السیواسی که سه دفتر مثنوی را در سال ۷۶۰ق به کتابت درآورده.

۷- ماهنامه بخارا صفحه ۱۸ شماره ۱۰۴- بهمن و اسفند ۱۳۹۳

۸- مناقب العارفین ص ۴۵۶

۹- متن چاپی لؤلؤی- صفحه ۱۸ ماهنامه بخارا شماره ۱۰۴- بهمن و اسفند ۱۳۹۳

۱۰- مولانا در سروده های نخستین خود ص ۱۹- ماهنامه بخارا شماره ۱۰۴- بهمن و اسفند ۱۳۹۳

۱۱- نیکلسون نسخه قونیه ۷۰۶ مونیخ و ۷۴۴ قاهره را درست تر و نخستین اثر قرار می دهد. ص ۱۹ بخارا شماره ۱۰۴-۱۳۹۳

۱۲- کهن ترین نسخه های تاریخ در مثنوی ثبت در ماهنامه بخارا شماره ۱۰۴-ص۱۹-۱۳۹۳

فاصله با مخاطب مشکل اصلی ادبیات حوزه کودک و نوجوان است

نویسنده حوزه کودک و نوجوان کشور گفت: وجود فاصله میان نویسنده و مخاطب از مهمترین مشکلات بخش ادبیات حوزه کودک و نوجوان است.

طاهره ایبد به مناسبت گرامیداشت روز ادبیات کودک و نوجوان در گفت وگو با ایرنا در بوشهر افزود: مخاطب شناسی از مهمترین اتفاق هایی است که باید در حوزه ادبیات کودک و نوجوان رخ دهد و تنها با این شیوه می توان این خلا را پر کرد.

وی اضافه کرد: نبود اندیشه لازم در حجم زیادی از آثار ترجمه در حوزه ادبیات کودک و نوجوان از جمله دیگر مشکلاتی است که باید به آن پرداخته شود.

ایبد اظهار کرد: امروز در بیشتر آثار مربوط به حوزه ادبیات کودک و نوجوان اندیشه و دید فلسفی نویسنده دیده نمی شود.

وی بیان کرد: هر چند قصد ادبیات کودک و نوجوان سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت کودکان و نوجوانان است ولی این آثار باید آن اندیشه لازم را داشته باشند.

وی تأکید کرد: آثاری که اندیشه لازم را داشته و نویسنده دیدگاه عمیق خود را نسبت به هستی و انسانیت بیان کند، ماندگاری بیشتری در ادبیات کودک و نوجوان دارد.

ایبد، در دسترس نبودن کتابهای ویژه کودک و نوجوان را از دیگر مشکلات این بخش عنوان کرد و گفت: هر چند بتازگی باشگاههای کتابخوانی در کشور تشکیل و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تلاشهایی در این مسیر انجام داده ولی این اقدام ها نسبت به جمعیت مخاطبان کافی نیست.

وی تأکید کرد: لازم است کتابهای کودک و نوجوان مانند سایر چیزهایی دیگر که فایده ای هم برای این قشر ندارند در دسترس آنها باشد تا زمینه جذب این قشر به کتاب خوانی را فراهم کند.



این نویسنده حوزه کودک و نوجوان گفت: آموزش و پرورش باید برای برطرف کردن این مشکل ورود کند.

وی همچنین بر ضرورت اصلاح سیستم آموزشی در آموزش و پرورش تأکید کرد و افزود: آموزش و پرورش علاوه بر مسئولیت آموزش، پرورش را هم برعهده دارد اما امروز این خلاء در برنامه های پرورشی این نهاد آموزشی به روشنی دیده می شود.

ایبد گفت: با توجه به اینکه بخشی از وظیفه حوزه پرورش تقویت قدرت تخیل است به همین دلیل آموزش و پرورش می تواند از راه ادبیات کودک و نوجوان بیشتر به حوزه فراموش شده پرورش بپردازد.

وی تأکید کرد: صدا و سیما به عنوان رسانه ملی باید در مسیر معرفی کتاب و ترویج فرهنگ کتاب خوانی در جامعه گام های مؤثری بردارد.

ایبد اظهار کرد: گسترش فرهنگ در کشور همت مدیران و مسئولان را می طلبد زیرا در این صورت است که به توسعه پایدار در بخش های مختلف دست می یابیم.

سرپرست ارشاد دشتی:

نقالی شاهنامه از الگوهای تأثیرگذار نمایش در ایران است

سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی دشتی استان بوشهر گفت: نقالی شاهنامه یکی از الگوهای مهم و تأثیرگذار نمایش در ایران است و در نقالان و شاهنامه خوانان نگهبانان قصه های عامیانه هستند.

به گزارش ایرنا، حمید زارعی در دومین همایش نقالان کودک دشتی در خورموج افزود: شاهنامه برای ما به لحاظ هویت زبان ملی ارزش بزرگی دارد، چون زنده کننده این زبان است و این حدس همیشه بوده و هست که اگر شاهنامه نبود، زبان فارسی از بین می رفت.

وی اضافه کرد: خورموج امروز مرکز نقالی کودکان کشور است و در توسعه این حرکت مهم فرهنگی اولین بانوی نقال استان 'طوبا شیرکانی' هنرمند خورموجی نقشی مهم ایفا کرده است.

زارعی بیان کرد: همچنین یکی از باکیفیت ترین کارگاه های شاهنامه که شاهد برگزاری یکصدمین جلسه آن بودیم توسط استاد مسعود بهرامی و با حضور شاهنامه خوانان و علاقه مندان به شاهنامه در خورموج برگزار می شود.

دبیر اجرایی برگزاری این همایش گفت: پس از چند سال تلاش، فرهنگ نقالی و شاهنامه خوانی در خورموج جایگاه بسیار خوبی پیدا کرده است.

طوبا شیرکانی افزود: اکنون ۶۰ نفر نقال کودک در خورموج در حال آموختن و فعالیت هستند.

در این مراسم بهارسادات علوی، باران احمدی، مریم محمودی، محمدطاها مهمان دوست، سیده الهه گلستانه، نیایش و نیوشا تنگسیری، ملیکا محمد رستمی، پرهام زارعی، فاطمه تیموری، نازنین زهرا حیدری، کیانا زالین، امین رضا نعمتی، شکیبا زارعی و غزل پرویزی به اجرای نقالی و شاهنامه خوانی پرداختند.

٦ اثر عکاس تنگستانی به جشنواره بین المللی نوروز تاجیکستان راه یافت

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر گفت: ۶ اثر از 'کیوان آذرشب' عکاس تنگستانی در جشنواره بین المللی نوروز تاجیکستان (۲۰۱۷) مورد پذیرش واقع شد.

به گزارش ایرنا، حمیده ماحوزی در این ارتباط در جمع خبرنگاران اظهار داشت: جشنواره بین المللی عکس نوروز هر ساله زیر نظر فدراسیون بین المللی هنر عکاسی (فیاپ) در ۶ بخش آزاد تک رنگ (فقط تک رنگ/سیاه و سفید)، آزاد رنگی (فقط رنگی)، مردم (رنگی/تک رنگ)، چشم انداز (رنگی/تک رنگ)، طبیعت(رنگی/تک رنگ) و (رنگی/تک رنگ مطابق تعریف عکس سنتی) اعلام فراخوان می کند.

وی بیان کرد: در فراخوان سال ۲۰۱۷ میلادی این جشنواره که حضور برای همه عکاسان در سراسر دنیا آزاد عنوان شده کیوان آذرشب هنرمند عکاس اهرمی و عضو و مدرس دوره های عکاسی انجمن سینمای جوان تنگستان توانست با ۶ اثر و در میان انبوه رقبای بین المللی خود در سه بخش آزاد تک رنگ، مردم و طبیعت در لیست پذیرفته شدگان این جشنواره بین المللی قرارگیرد.

ماحوزی یادآور شد: عکس های راه یافته به این جشنواره علاوه بر ثبت در آرشیو فیاپ و پی اس آ به نام عکاس، برای دریافت القاب فیاپ و پی اس آ نیز محاسبه می شوند.

همایش بزرگداشت روز ملی ادبیات کودک و نوجوان در بوشهر برگزار شد

همایش بزرگداشت روز ملی ادبیات کودک و نوجوان با عنوان 'هور و دریا' در بوشهر برگزار شد.

به گزارش ایرنا، معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر در این همایش اظهار داشت: توجه و اهمیت به ادبیات کودک و نوجوان در بین مسئولان و والدین را دارای جایگاه ویژه است و هدف از اجرای این برنامه ها ترویج فرهنگ کتابخوانی و آشنایی کودکان و نوجوانان با این فرهنگ است. آنیتا مظفری افزود: کودکان باید از دوران کودکی با کتاب انس گیرند و کتاب را دوست داشته باشند که این امر به رشد و بلوغ فکری آنان نیز کمکی شایان می کند.

وی با اشاره به اینکه بوشهر هم اکنون پایتخت کتاب ایران است گفت: این عنوان مسئولیت مسئولان فرهنگی این استان را دوچندان کرده و همگان باید در این عرصه با تلاش جدی خود برای ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی در بین اقشار جامعه بویژه کودکان و نوجوانان اهتمام جدی بورزند.

یک مدرس دانشگاه نیز در این همایش گفت: رابطه والدین و فرزندان نباید مراقبت باشد بلکه تربیت مهم ترین رابطه بین این دو نفر است.

نبی فتاحی: ما باید فرزندان مان را طوری تربیت کنیم که در رابطه اجتماعی آنها مشکلی وارد نشود و کودک در جامعه موفق عمل کند.

وی یادآور شد: بهترین زمان برای یادگیری و تربیت کودک در ۱۰ سال اول زندگی است که والدین باید در این دوران مراقب شکل گیری فرزند خود باشند. در این آئین مسابقه کتابخوانی و قصه گویی بین کودکان برگزار شد و به همگی آنها جوایز و کتاب هایی با توجه به رده سنی آنها اهدا شد.

مشاعره و موسیقی از دیگر برنامه های این همایش بود که با استقبال خوبی از طرف کودکان روبرو شد.

هشدار استاندار بوشهر برای کارشکنی در اختصاص سهم عوارض آلایندگی و ارزش افزوده بوشهر

استاندار بوشهر گفت: امسال ۷ هزار میلیارد ریال از محل عوارض آلایندگی و ارزش افزوده در این استان درآمد کسب می شود.

به گزارش ایرنا، روابط عمومی استانداری بوشهر در نشست با مدیران اداره کل امور مالیاتی استان بوشهر به نقل از مصطفی سالاری افزود: از این میزان سه هزار میلیارد ریال از محل عوارض آلایندگی و چهار هزار میلیارد ریال ارزش افزوده است که از این محل ها حدود ۲ برابر اعتبار منابع دولتی استان می توان درآمد کسب کرد.

وی با بیان اینکه وصول مالیات را باید مردمی کرد، ادامه داد: روان سازی، شفاف سازی و سرعت عمل را با هدف دریافت مالیات بهتر باید انجام داد.

سالاری اظهار کرد: افزایش درآمد مالیاتی به معنی همکاری بیشتر شهروندان در توسعه کشور و استان است و در این ارتباط باید راهکارهای مختلفی از جمله احترام به مردم، الکترونیکی کردن فرآیند دریافت مالیات و سرعت رسیدگی به پرونده‌ها را در دستور کار قرار داد.

استاندار بوشهر بیان کرد: باید به سمتی برویم که نقش مالیات در تأمین منابع عمومی دولت بی بدیل باشد به همین دلیل کار امور مالیاتی مهم است.

سالاری با قدردانی از تلاشها و خدمات اداره کل امور مالیاتی استان بوشهر اظهار کرد: در کنار کار قانونی، احترام به مردم و پاسخگو بودن به آنان ضروری است.

استاندار بوشهر اظهار کرد: اعتبار ارزش افزوده استان بوشهر در سال گذشته نسبت به چهار سال قبل افزایش چند برابری داشته و این اعتبار به وسیله شهرداری ها و دهیاری ها هزینه می شود.

وی تأکید کرد: شهرداری و دهیاری ها نیز بر پروژه‌هایی که از محل عوارض پرداختی مردم است، تمرکز بیشتری داشته باشند.

سالاری با بیان اینکه در زمینه عوارض آلایندگی تجدید نظر اساسی باید شود، گفت: با توجه به تعداد صنایع آلاینده و وجود مؤدیان بزرگ در استان بوشهر، باید اقدام های لازم برای دریافت عوارض از این صنایع انجام شود.

استاندار بوشهر تأکید کرد: اینکه کسی بی دلیل استان بوشهر را غیرآلاینده قلمداد کند این موضوع با جدیت دنبال و پیگیری می شود.

وی گفت: به سازمان های اقتصادی استان بوشهر از جمله امور مالیاتی، سفارش افراد یا مجموعه ها را نمی کنیم که مالیات کمتری بدهند.

توسعه استان بوشهر و یک بام و دو هوای محیط زیست

علی درویشی – عضو هیئت علمی دانشگاه خلیج فارس

آیا تاکنون از خود پرسیده ایم که چرا پروژه هایی که برخاسته از خواست و اراده جمعی مردم استان بوشهر است، از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست؟

در تصمیم گیری های ملی در خصوص پروژه هایی که در استان اجرا می شود تا چه میزان اجازه ورود به عرصه های مدیریتی یا بهره مندی از انتفاع حاصله را به نیروهای بومی می دهند؟

اگر مبنا برای اجرای طرح های ملی، رعایت قواعد مرسوم و استانداردهای الزامی زیست محیطی باشد، تا چه میزان پروژه های مستقر در جنوب استان اجازه شروع فعالیت می یابند؟

اگر قرار بود پتروشیمی دشتستان یا طرح های انرژی بر منطقه شمال استان در عسلویه یا حتی مرکز و شمال کشور اجرا شوند، آیا همچنان رعایت قواعد و الزامات زیست محیطی برای آنها ضروری بود؟

در اجرای پروژه های گوناگون و در مناطق مختلف، آیا استانداردهای تعریف شده محیط زیست، خلل ناپذیر و بدون استثناست؟

در چند روز اخیر خبری مبنی بر حضور دکتر درویش مدیرکل مشارکت های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست در استان و اظهارنظر ایشان در جمع فعالین اجتماعی مبنی بر اینکه «باید همه دیلم برای جلوگیری از ساخت پتروشیمی در منطقه یکدست شوند. عواقب این پروژه بدلیل انباشت آلودگی برای آینده گردشگری غیر قابل جبران است.» باعث تعجب و تأسف آگاهان و شهروندان که به حق به این پروژه به عنوان پیشران توسعه مناطق شمالی استان نگاه می کردند، شد.

پرسش بنده از جناب درویش اینست که ایشان چند بار در عسلویه حضور یافته اند و در آن منطقه که میزان آلودگی چندین برابر استانداردهای بین المللی است و بومیان آن منطقه را به ستوه آورده و تمامی تبعات منفی استقرار صنایع نفت و گاز را متوجه آنان کرده، آیا از نهادهای اجتماعی و فعالین محلی استمداد نموده که مانع از اجرای پروژه های جدید شوند؟ در خصوص اجرای نیروگاه های هسته ای دو و سه در مرکز استان چه؟ آیا برای زیستگاه های آبزیان که به خاطر فعالیت های حوزه انرژی در این مناطق، به شدت آسیب دیده اند و کاهش سریع ذخایر صید را به صورت امری عادی در آورده اند، وامصیبتا سر داده اند؟

تا چه میزان محیط زیست به اجرای پروژه های گردشگری در استان کمک نموده که امروز سنگ گردشگری دیلم را به سینه می زنند؟ مردم استان فراموش نکرده اند که این سازمان چه تعداد از متقاضیان و سرمایه گذاران حوزه گردشگری را ناامید کرده و دست رد به سینه آنها زده است.

کسانی که با شوق و ذوق فراوان برای اجرای طرح های گردشگری و هتل های بین المللی در سواحل استان از جمله شهر بوشهر و جزیره عباسک، پیش آمده اند و به بهانه تخریب دریا و سواحل، پس زده شده اند.

فرض کنید یک متقاضی تصمیم داشته باشد در جهت توسعه گردشگری استان و بهره گیری از جذابیت های سواحل و جزایر استان، طرح هایی شبیه آنچه در کشور امارات به اجرا درآمده، عملیاتی نماید. این فرد چقدر همراهی محیط زیست را به دنبال خواهد داشت؟ و اما در این بین جالب است که این سازمان در مناطق جنوبی استان به خصوص عسلویه – که تأییدیه های پی در پی زیست محیطی برای صنایع نفت و گاز صادر می فرماید – با اجرای طرح های گردشگری پیشنهادی که بر پایه مشارکت بومیان و سازمان های مردم نهاد ارائه می



گردند، سرسختانه مخالفت نموده و می نماید.

در نهایت بهتر است سازمان محیط زیست برای مردم تشریح بفرماید که رسالت سازمان حفاظت از محیط زیست چیست؟ استفاده ابزاری از اهرم مجوزهای زیست محیطی برای جلوگیری شک برانگیز از اجرای طرح های ویژه در مناطق مخصوص و یا ارائه راهکاری عملی برای کاهش آسیب های احتمالی اجرای پروژه ها به محیط زیست؟

پر واضح است که هدف از این نوشتار این نیست که ضرورت رعایت ملاحظات محیط زیست را نادیده گرفته یا از اهمیت آن بکاهیم؛ بلکه رویکرد آن هوشیار نمودن جوامع محلی است که بازیچه دست افرادی نشوند که منافع محلی و منطقه ای را به هیچ عنوان بر نمی تابند. به عنوان نمونه در منطقه ویژه شمال استان تأکید اصلی مدیریت ارشد استان بر استقرار واحدهای پایین دستی نفت و گاز و واحدهایی است که بیشترین میزان ارزش افزوده را ایجاد نموده و اشتغال بالایی را هم به دنبال دارند. از طرفی به یمن برجام و استقبال بسیاری از شرکت ها و سرمایه گذاران خارجی، زمینه برای سرمایه گذاری در حوزه نفت و ارائه آخرین تکنولوژی ها در این صنعت و ساخت واحدهای پتروشیمی سبز و بدون آلودگی، هموار گردیده و دغدغه تبعات منفی زیست محیطی را به حداقل رسانده، ضمن اینکه مقیاس حجم فعالیت در منطقه ویژه شمال استان در مقایسه با جنوب استان نیز بسیار ناچیز است. آنچه در این بین بسیار اهمیت دارد این است که مطابق برنامه ریزی انجام شده اجرای این پروژه قرار است با مدیریت محلی و مشارکت حداکثری ساکنین این مناطق و با به کارگیری نیروی کار این مناطق صورت گیرد؛ که این امر البته ممکن است به مذاق برخی خوش نیاید.

نکته جالب و تعجب انگیز دیگر آنکه، مشاهده می شود سازمان حفاظت محیط زیست برخلاف نصح صریح قانون، واحدهای پالایشگاهی و پتروشیمی جنوب استان را که آلاینده محسوب گردیده و ملزم به پرداخت عوارض آلایندگی می باشند، پاک و معاف از پرداخت این عوارض معرفی نموده است. قطعاً این امر باعث محروم نمودن استان از اعتباراتی خواهد شد که می تواند بخشی از تبعات منفی ناشی از ازدحام این پروژه ها را بکاهد. حال سؤال ما از سازمان مذکور این است که با کدام منطق واحدهایی که با تکنولوژی بیست سال پیش ساخته شده را عاری از آلودگی اعلام نموده و در شمال استان به گونه ای دیگر برخورد می نماید.

آنچه از تعاریف توسعه بر می آید اینست که توسعه افزایش توانمندی ها و بهبود استحقاق هاست. اگر قائل به این هستیم که بایستی استان بوشهر به سطحی مطلوب از توسعه یافتگی دست یابد، نخستین کار اینست که سطح استحقاق ها را افزایش دهیم. از جمله استحقاق استفاده از منابع انسانی استان در لایه های بالای مدیریتی، استحقاق تسریع در اجرایی شدن منطقه ویژه شمال استان، استحقاق اجرای پروژه های محرک و پیشران توسعه از جمله راه آهن و ... و مهمتر از همه اینکه خود را مستحق بدانیم که برخی از پروژه های ملی بنا به خواست مردم به اجرا درآید.

به هر حال در این بین نقش و رسالت سازمان های مردم نهاد و مسئولیت آنها در انعکاس خواست های مردم به مسئولین ملی دوچندان است. همانگونه که در دوره های مختلف با نقش آفرینی خود به بهبود برخی از این استحقاق ها کمک نموده اند در اینجا نیز انتظار اینست که بار دیگر به عنوان جلودار و پیشرو ضمن اینکه خود، احقاق این حقوق را بجد دنبال می کنند، با آگاه سازی عمومی و ترویج افکار و نظرات توسعه طلبانه، به وظیفه خود عمل نمایند.

نماینده مردم دشتستان در مجلس:

گردشگری در دشتستان توسعه می‌یابد/ لزوم رفع موانع اشتغال



نماینده مردم دشتستان در مجلس شورای اسلامی گفت: از همه ظرفیت‌ها برای توسعه اشتغال و رونق گردشگری در شهرستان دشتستان استفاده می‌کنیم.

به گزارش خبرنگار مهر، محمدباقر سعادت در نشست با مدیر صندوق کارآفرینی امید استان بوشهر اظهار داشت: در راستای رفع موانع توسعه اشتغال در شهرستان دشتستان پیگیری‌های ویژه‌ای را داریم و از طرح‌ها و برنامه‌ها در این زمینه استقبال می‌کنیم.

وی خواستار همکاری همه دستگاه‌های اجرایی برای رسیدن به نتیجه مطلوب شد و افزود: موانع و مشکلاتی که بر سر راه پیشرفت و توسعه اشتغال وجود دارد با تلاش مسئولین به سرعت برداشته شود.

نماینده مردم دشتستان در مجلس شورای اسلامی بر حمایت همه‌جانبه و گسترده از فعالان بخش خصوصی و کارآفرینان تأکید کرد و بیان داشت: شهرستان دشتستان با توجه به موقعیت گردشگری و منطقه آب و هوایی، نخیلات، کشاورزی و صنایع تبدیلی خرما و فراهم بودن زمینه های اشتغال مختلف نیاز به حمایت دستگاه های حامی اشتغال در استان از جمله صندوق کارآفرینی امید دارد.

وی با نوید تلاش‌های مستمر در خصوص تکمیل و افتتاح سد دالکی در منطقه بیان کرد: امیدواریم این پروژه باعث رونق بیش از پیش کشاورزی و نخیلات و جذب توریست و رونق گردشگری در منطقه خواهد شد.

مدیر صندوق کارآفرینی امید استان بوشهر با اشاره به خدمات صندوق در رفع مشکلات مربوط به ازدواج و اشتغال جوانان اظهار داشت: در راستای اشتغال‌زایی و اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به‌ویژه در روستاها، تولید و حمایت از اشتغال و توسعه صنایع تبدیلی خرما و کشاورزی برنامه‌های ویژه‌ای داریم.

مرتضی شهبازی با اشاره به نرخ بالای بیکاری در شهرستان دشتستان و پتانسیل بالای آن با توجه موقعیت جغرافیایی و اقلیمی در زمینه نخیلات و کشاورزی، توجه به موضوع اشتغال را بیش از پیش ضروری دانست و افزود: صندوق اقدامات ویژه‌ای در این شهرستان برای توسعه اشتغال انجام داده است.

وی با اشاره به اعطای ۵۰ میلیارد ریال تسهیلات قرض الحسنه برای راه‌اندازی خوشه خرما در استان، افزود: ایجاد صندوق‌های خرد محلی که موجبات اشتغال بیش از ۴۰۰ نفر از روستاییان که عمدتا بانوان هستند را فراهم آورده است.

مدیرکل بنادر و دریانوردی استان بوشهر:

رویدادهای کارآفرینی دریایی در استان بوشهر برگزار می‌شود

مدیرکل بنادر و دریانوردی استان بوشهر گفت: رویدادهای کارآفرینی (استارت‌آپ) دریایی در استان بوشهر برگزار می‌شود.

به گزارش خبرنگار مهر، محمدمهدی بنچاری در نشست با مسئولان دانشگاه امام خامنه‌ای بوشهر اظهار داشت: توسعه و پیشرفت نیازمند تحول در علم است و برای این تحول به توسعه ارتباط صنعت و دانشگاه نیاز داریم.

وی با تأکید بر اهمیت ارتباط دانشگاه و صنعت، خاطرنشان کرد: امروز در اکثر کشورهای پیشرفته اساتید دانشگاه با صنعت در ارتباط هستند و باید در راستای کارآفرینی و بهره وری این خلاء توسط دانشگاه برطرف شود.

مدیرکل اداره بنادر و دریانوردی استان بوشهر با اشاره به اهمیت استارت‌آپ‌های دریایی در توسعه کارآفرینی، ادامه داد: امیدواریم در آینده استارت‌آپ‌های دریایی توسعه بیشتری یابد.

وی بیان کرد: ایجاد استارت‌آپ‌های دریایی می‌تواند نقش مهمی در ایجاد کسب و کار داشته باشد.

تفاهم نامه همکاری علمی، پژوهشی و آموزشی بین دانشکده فنی و حرفه‌ای امام خامنه‌ای بوشهر و اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر در راستای ارتباط بیشتر دانشگاه و صنعت امضا شد.

نماینده کنگان، دیر، جم و عسلویه:

قرارداد توتال، سیگنال مثبت به شرکتهای خارجی برای سرمایه گذاری در ایران است

نماینده مردم کنگان، دیر، جم و عسلویه در مجلس شورای اسلامی گفت: قرارداد توتال مخابره سیگنال مثبت به سایر شرکتهای خارجی برای ورود و سرمایه گذاری در طرح های توسعه ای ایران است.

سکینه الماسی در گفت وگو با ایرنا افزود: امضای قرارداد با توتال فرانسه به عنوان یکی از معتبرترین شرکتهای نفتی جهان مسیر امضای قراردادهای بعدی را هموارتر می کند.

وی اضافه کرد: منتفع شدن سازندگان داخلی تجهیزات صنعت نفت از دیگر آثار جانبی امضای قرارداد با شرکت توتال است.

وی با اشاره به برند شرکت نام آشنای توتال با حوزه انرژی بیان کرد: بسیاری از شرکت های دیگر خارجی برنامه های اقتصادی خود را با نیم نگاهی به توتال ترسیم می کنند و اکنون که توتال به عنوان یکی از معتبرترین شرکتهای نفتی جهان، به پارس جنوبی بازگشته است دیگر شرکت ها نیز با خیالی آسوده تر به ایران می آیند.

الماسی با اشاره به اهمیت و مزیت های قرارداد توتال به لحاظ اقتصادی اظهار کرد: میدان گازی پارس جنوبی، بزرگترین و حساس‌ترین میدان مشترک ایران به شمار می آید و منطقه ویژه پارس جذاب ترین کانون سرمایه گذاری کشور است.

نماینده مردم کنگان، دیر، جم و عسلویه در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: سرمایه گذاری در پارس جنوبی به لحاظ اقتصادی برای کشور همچنان دارای اهمیت بالایی است.

الماسی گفت: برداشت از مخزن مشترک قبل از اینکه رقیب ما تمام ذخایر آن را برداشت کند مهم ترین مزیت قراردادهای توتال و هر شرکت دیگری در پارس جنوبی است.

وی افزود: با وجود امضای قرارداد توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی، میان شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیوم بین المللی شرکت نفتی توتال فرانسه به ارزش چهار میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار در تهران، با این وجود بهبود بخش انرژی ایران هنوز در آینده‌ای دور است زیرا همچنان سرمایه گذاران خارجی برای حضور خود در بازار انرژی ایران احتیاط می کنند.

الماسی درباره اهمیت و مزیت قرارداد به لحاظ سیاسی و اجتماعی برای دولت گفت: این قرارداد راه را به نوعی برای سایر شرکت ها باز می کند و تابوی تحریم های آمریکایی را می شکند و اهمیت برجام را که در حقیقت نفس آن برچیده شدن تحریم ها بود را معنادار می کند.

وی اظهار کرد: امضای این قرارداد، آن هم پیش از آغاز به کار دولت دوازدهم، نویددهنده طلیعه روشنی از جذب سرمایه گذاری و امیدواری به آینده است.

این نماینده مجلس شورای اسلامی یادآور شد: نفت



وگاز همچنان پیشران توسعه اقتصادی کشور است و دولت روی قراردادهای نفتی به سبب سیاسی و اجتماعی نیز توجه ویژه ای دارد.

الماسی بیان کرد: اقتصاد تحرک بخش فعالیت های اجتماعی و سیاسی جامعه ماست و بخشی مهم از اقتصاد کشور نیازمند تحرک در بخش نفت و گاز و قراردادهای مهم اقتصادی در این بخش است.

وی با تأکید بر اینکه سرمایه گذاری در میدانهای مشترک انرژی به لحاظ سیاسی دغدغه قوای سه گانه است گفت: انتظار داریم امضای قرارداد با شرکت توتال در پارس جنوبی مسیر را برای سایر سرمایه گذاری ها باز کند.

الماسی، درباره راهبرد اقتصادی و توسعه استان بوشهر در قبال این قرارداد اظهار کرد: ما تاکنون نه تنها در قبال این قرارداد بلکه در مواجهه با کلیت توسعه پارس جنوبی کمترین برنامه راهبردی را داشته ایم.

وی یادآور شد: شکل گیری هر قرارداد توسعه پارس جنوبی اگر چه به تبع آن ایجاد رونق اقتصادی، اشتغال در صنعت نفت و اقتصاد کشور و استان بوشهر را به دنبال دارد اما این کمترین انتظار برای محیط پیرامون است.

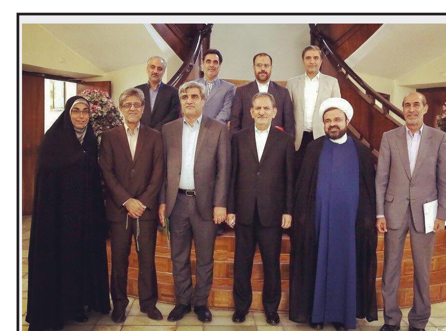
این نماینده مجلس شورای اسلامی گفت: آنچه مایه نگرانی است، این است که ما همچنان در تأمین همین کمترین انتظار نیز ناتوان باشیم.

وی بیان کرد: در یک سال اخیر تلاش بسیار مدونی در این مسیر انجام شده و حتی در پاره ای از موارد گره های قانونی را نیز با مصوبه های مجلس باز و قانونی دقیق تر که ما را به حق واقعی خود در موضوع اشتغال پارس جنوبی برساند نیز در مجلس گذراندیم و گام های خوبی برداشتیم اما همچنان فاقد یک سند راهبری توسعه ویژه پارس جنوبی در بخش های مختلف از جمله اشتغال هستیم.

الماسی گفت: طرح آمایش نواحی تأثیرپذیر از حوزه گازی پارس جنوبی نیز که در سالهای گذشته مورد تأکید قرار گرفت نیز منفعل روی کاغذ مانده است.

وی تأکید کرد: با توجه به اینکه این قراردادها و فازهای پارس جنوبی ابدی نیست، اگر راهبردهای توسعه ای ما در مواجهه با پارس جنوبی دقیق و عملگرا نباشد بشدت آسیب خواهیم دید.

الماسی افزود: همان قدر که برای برداشت بیشتر از مخزن مشترک با آزمون و خطا، تدبیر و گاهی هم بی تدبیری، تحریم ها و تلاش ها به هر در و دیواری زدیم تا قراردادی امضا شود و سرمایه گذاری به منطقه بیاید در سهیم بودن استان بوشهر در توسعه پارس جنوبی همچنان گام های نرفته زیادی وجود دارد.



جهانگیری معاون اول رئیس جمهور در اینستاگرام با انتشار تصویر فوق نوشت؛

در دیدار با نمایندگان استان بوشهر بیان شد: مردم بوشهر پیش و پس از انقلاب اسلامی همیشه برای حفظ عزت ایران ایستادگی کرده و قوت قلب ملت ایران بوده اند و در انتخابات ریاست جمهوری با رأی بالای خود به دکتر روحانی نقش خود را به خوبی ایفا کردند. استان بوشهر یکی از قطب های اصلی انرژی کشور است.

تأکید روحانی بر ضرورت ادامه همکاری متقابل دولت با اصلاح‌طلبان

در نشست کمیته تعامل شورای عالی سیاست گذاری اصلاح طلبان:

عارف: اصلاح‌طلبان نقش مؤثری در حمایت از نامزدی دکتر روحانی در انتخابات داشتند.

روحانی: امیدوارم بتوانیم دولتی کاراتر به مردم و مجلس معرفی کنیم و کماکان از همکاری متقابل با اصلاح‌طلبان در همه زمینه‌ها بهره‌مند شویم.

روحانی فقط وامدار و امانتدار مردم است

حسین کاشفی: آقای روحانی امروز امانتدار ۲۴میلیون رأی مردم است و البته رئیس‌جمهور همه ملت به حساب می‌آید و بنابراین باید به همه مردم پاسخگو باشد. بحث سهم‌خواهی بسیار کار نادرستی است. دولت قرار نیست شرکت تعاونی باشد که هرکس به دنبال سهم خود باشد و در کابینه حضور داشته باشد. رقبا با سیاست‌های دولت هماهنگ نیستند و مانع‌تراشی می‌کنند؛ بنابراین حضور آنها در دولت ادعایی خام است. شخص آقای روحانی است که باید تصمیم بگیرد چه کسانی همکار او باشند. اصلاح‌طلبان می‌توانند کمک کنند و پیشنهاد بدهند، اما قرار نبوده که به روحانی کمک کنند و سپس از او توقع‌هایی این‌چنینی داشته باشند. برخی می‌گویند بخشی از حامیان روحانی از او حمایت کردند و اکنون معتقدند فلان وزارتخانه باید سهم آنها باشد، اما از ابتدا هم همه اصلاح‌طلبان معتقد بودند که سهمی نمی‌خواهند و تنها منافع ملی برای این جریان مطرح است و تنها به همین علت از روحانی حمایت می‌کنند.

ویژه
شماره ۸۴۴ یکشنبه ۲۵ تیر ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

مرگ آتنا، حادثه تلخی که طرح "مراقبت اجتماعی از کودکان" را کلید زد

رئیس بهزیستی دزفول گفت: مرگ آتنا دختر هفت ساله اردبیلی حادثه تلخی است که باعث شد طرح نظام مراقبت های اجتماعی از کودکان در بهزیستی و چند ارگان دیگر کشور اجرایی شود.
فریدون عبدی در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی افزود: طرح نظام مراقبت های اجتماعی از کودکان جهت کاهش معضلات اجتماعی در سازمان بهزیستی کشور در حال تدوین است.
وی با اشاره به اینکه تفاهم نامه این طرح از سوی مسئولان کشوری در دست پیگیری و اجراست افزود: این طرح برای توانمندسازی کودکان اجرا خواهد شد ضمن اینکه در این طرح آموزش هایی برای والدین کودکان در نظر گرفته شده تا دیگر شاهد کودک آزاری و چنین فاجعه هایی در جامعه نباشیم.
رئیس بهزیستی دزفول اظهار کرد:کودکان به ویژه دختر بچه ها که به علت سن کم خود در محیط های ناامنی ورود می کنند باید آموزش ببینند تا از آسیب های اجتماعی که آنها را تهدید می کند مصون بمانند.
وی افزود: همچنین والدین و دیگر اعضای خانواده ها نیز نیازمند آموزش هستند تا بتوانند فرزندان خود را از اتفاقات ناگواری که در کمین آنها هستند آگاه کرده و از بروز حوادث تلخ جلوگیری کنند.
آتنا اصلانی کودک معصومی که در پارس آباد مغان شمالی ترین شهر ایران گرفتار چنگال گرگ صفتی شده و جان باخت اکنون قصه تلخش غصه نه تنها شهرستان پارس آباد بلکه تمام ایران زمین و ایرانیان شده است.

رسانه چگونه می‌تواند مانع مرگ «آتنا»ها شود؟



یک مدرس دانشگاه با اشاره به نقش چندجانبه رسانه‌ها در قبال انعکاس رویدادهایی چون آزار و قتل یک دختربچه در جامعه اظهار کرد: رسانه‌ها می‌توانند در شفاف‌سازی و درک صحیح مردم از این رویداد کوشا باشند و همچنین این اتفاق را به عنوان یک مطالبه عمومی پیگیری کنند و از مسؤولان بخواهند که با این رویداد برخورد منطقی داشته باشند.
سعید خال در گفت‌وگو با خبرنگار رسانه ایسنا در ادامه مطلب بالا گفت: زمانی که یک پدیده زشت اجتماعی در جامعه به عنوان آسیب اجتماعی اتفاق می‌افتد، باید بدانیم این پدیده با سایر پدیده‌های دیگر در ارتباط است و ما نمی‌توانیم چنین جرم و جنایتی را با سایر مشکلات جامعه و آسیب‌های اجتماعی بی‌ارتباط بدانیم زیرا این رویدادها مانند طنابی درهم تنیده هستند.
او با بیان اینکه رسانه‌ها می‌توانند نقشی چندجانبه در این نوع رویدادها ایفا کنند، اظهار کرد: رسانه‌ها که مسؤولیت اجتماعی دارند می‌توانند نقشی چندجانبه ایفا کنند. رسانه‌ها نقش آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی دارند و می‌توانند به خانواده‌ها در نحوه و شیوه زندگی‌شان آگاهی دهند. همچنین رسانه‌ها می‌توانند در شفاف‌سازی و درک صحیح مردم از این رویداد کوشا باشند و این اتفاق را به عنوان یک مطالبه عمومی پیگیری و از مسؤولان بخواهند که با این رویداد منطقی برخورد کنند. مردم جامعه هم باید با این رویدادها برخورد منطقی داشته باشند. اگر نقش چندجانبه رسانه‌ها ایفا شود می‌توانیم این نوع اتفاقات در جامعه را کاهش دهیم.
این مدرس دانشگاه افزود: از این آسیب اجتماعی، اتفاق ناگوار و پدیده زشت انسانی و اجتماعی نباید تحلیل یک‌بعدی وجود داشته باشد و رسانه‌ها می‌توانند نقش خوبی را در این راستا ایفا کنند.
سعید خال با اشاره به عملکرد فضای مجازی در برابر این رویداد اظهار کرد: شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های فضای مجازی ویژگی‌های بسیاری دارند که باید آن‌ها را بشناسیم و سواد رسانه‌ای خود را برای استفاده از این شبکه‌ها افزایش دهیم. سرعت انتقال اطلاعات و اخبار در شبکه‌های اجتماعی بسیار بالاست اما دقت و صحت آن پایین است؛ برای مثال اخبار ضد و نقیضی درباره «آتنا اصلانی» در فضای مجازی منتشر شد که تشخیص آن به درک و سواد رسانه‌ای مخاطبان بستگی دارد؛ بنابراین مخاطبان برای اینکه بتوانند برداشت درستی از اخبار منتشرشده، داشته باشند، باید سواد رسانه‌ای خود را بالا ببرند.
او ادامه داد: البته شبکه‌های اجتماعی علاوه بر نقش اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی گاهی با انتشار عکس‌ها، اخبار نامناسب و غیردقیق موجب جریحه‌دار شدن احساسات اجتماعی و افراد جامعه می‌شوند؛ برای مثال در روزهای گذشته در فضای مجازی اعلام شد که قاتل آتنا اعدام شد، اما این اتفاق نیفتاده است؛ بنابراین تشخیص اخبار نادرست به سواد رسانه‌ای مخاطب هم بستگی دارد و باید بتوانند تحلیل کنند.

واکنش رخشان بنی‌اعتماد به مرگ «آتنا»

وا مصیبتا بر جامعه‌ای که "عصب سوخته" شود!

سالها پیش به عیادت زن جوانی که خودسوزی کرده بود رفتم. شدت جراحت‌اش بسیار بالا بود. شوکه شدم از صورت خندان و بی‌نشان از هیچ دردش که تنها بخش پانسمان نشده همه بدن سوخته او بود.
به راحتی حرف می‌زد و انگار می‌خواست به زبان بی‌زبانی به من بفهماند که خوشحال است از این که تلاش‌اش برای خودکشی بی اثر مانده و زنده است.
خوش باورانه به دکتر معالج‌اش گفتم که چه معجزه‌ای! حالش که خوب است و درد ندارد. جواب دقیق تخصصی دکتر به یادم نیست ولی واژه "عصب سوخته" از لابلای حرف‌هاش هرگز از یادم نرفت چون دو روز بعد زن جوان مُرد ...
جامعه ما "عصب سوخته" شده ، زخمی و زخم خورده از دردهایی که تا عمق استخوان و رگ و پی‌های‌مان را به آتش کشیده، اما انگار نباید همچنان واقعیت را باور کنیم.
باور کنیم که جامعه نیاز جدی و عاجل به آسیب شناسی اجتماعی دارد.
باور کنیم که زیر نقاب دروغین اخلاق بر ظاهر جامعه، چه تعفنی از امیال سرکوب شده و جواب نگرفته غلیان می کند.
باور کنیم که نادیده گرفتن نیازها و نبود امکان برای تخلیه فشار غرایز طبیعی می‌تواند هر انسان کم ظرفیتی را به هیولای دریده و افسار گسیختهایی مبدل کند.
باور کنیم آموزش‌های هشداردهنده از سنین کودکی یک ضرورت است و تا حد بسیار زیادی می‌تواند این طفل معصوممان را از خطر آزار نه فقط منحرفان جنسی، حتا محارم خود محافظت کند.
باور کنیم سیستم آموزشی مطیع پرور و فرمانبردار استقلال شخصیتی و "نه" گفتن را از کودکان ما گرفته است.
باور کنیم که سرپوش گذاشتن بر واقعیت‌های هولناک هر روزه و تکرار شونده در جامعه و ماله کشیدن بر حفره‌های عمیق موجود، نیاز به جراحی‌های جدی برای راهکارهای عاجل دارد.
واقعیت است که همه ما "عصب سوخته" شده‌ایم. از تکرار مصیبت‌های مکرر و مکرر ...
و نه بی قیدی و بی دردی.
جواب نگرفته از چرایی یک فاجعه، مصیبتی دیگر بر سرمان هوار می شود.
بی دلیل نیست که اجازه تجمع برای عمومی کردن هیچ اعتراضی صادر نمی‌شود، چون برای گرفتن جواب سؤال‌های بی شمار سالها باید به تحصن بنشینیم.
تا زمانی که به مصداق اسم هوشمندانه فیلم پوران درخشنده، "هیس، دخترها فریاد نمی زنند" و اثبات این واقعیت که "هیس، پسرها هم نباید فریاد بزنند" و "هیس، فریاد که هیچ، هیچکس حق طرح سؤال، حق اعتراض، حق آموزش مراقبت‌های دفاعی لازم به بچه‌های در معرض آسیب، با سونامی غرایز فروخفته و سرکوب شده کمین گرفته در هر کوچه، پس کوچه‌ای را ندارد". پس، موضوعات کوچکی مثل "آتنا" را بزرگ و سیاه نمایی نکنید، کارهای بزرگ‌تر فرهنگی مثل لغو مجوز کنسرت و توقیف فیلم‌های سینمایی و پایین آوردن دیش‌های ماهواره و ...).

سوگ مردانه برای زنانگی در ایران؛

از آتنا اصلانی تا مریم میرزاخانی

ادیب مستور: طی روزهای گذشته ۲ اتفاق جامعه ایران را تکان داد و مردم را در یک صف و جایگاه هم‌صدا و هم‌نظر قرار داد که محور هر دو زن بود.
آتنا اصلانی، دختری با ویژگی‌های برجسته زنانه؛ از معصومیت کودکانه تا مقنعه زنانه.
آتنا فریاد زنانه‌ای است که مردان جامعه قرن‌ها مظلومیت او را گواهی می‌دهند. همسویی و خروش عواطف مردان جامعه نه همسویی با مظلومیت آتنا که گواهی بر بزرگ بودن زن و کوچک بودن ساختگی آن در طول تاریخ است. کوچک بودن زنی که بزرگ است اما در فکر ما کوچک برساخت شده است.
زن محور برانگیختگی عاطفی و نقطه کانونی احساسات مردم مشرق زمین است. دنیای مردانه شرقی‌ها با زنان هویت و معنی می‌یابد.
جامعه ایران از دوران باستان همواره زنانه بوده است. محور اصالت خونی زنان بودند و ارتباط با زنان (ازدواج) نقطه انعطاف جامعه کاستی دوران ساسانی بوده است.
تشییع آتنا گواهی بر جایگاه و مقام زنانه است که قرنها به تارج مردان رفته تا تنها مردانگی در ویترین جامعه جلوه نماید. مردانی که خود می‌دانند بدون زنان ویترین و جامعه‌ای وجود نخواهد داشت.
درد و اندوه زنانه به تاریخ پیوسته است اما در ایران همچنان زنی زن است که بسوزد و بسازد. مرد خود را راضی نگه دارد و از روزنه مردان به دنیا بنگرد.
رنج و اندوه و گریه و اشک و غم همگی زنانه‌اند و ساخت مردان از آن به دور است.
این ظلم تاریخی اشک مردان در تشییع آتنا را در آورد.
مرگ شوک‌آور دیگر مرگ ناگهانی مریم میرزاخانی بود.
دختر ایرانی خودساخته که مقام اول جهان در یک رشته سخت مردانه داشت. مقامی که به خودی خود عطش ایرانیان به اول بودن در جهان را ارضا می‌کرد. شاید پرداختن به مرگ وی برای ارضای توهم "ایران مالک مطلق کل تاریخ" باشد.
اما میرزاخانی تابوهای زنانگی را شکست و بر قله علم فریاد "زنان هم می‌توانند" را فریاد زد.
علم مرد و زن نمی‌شناسد بر ساخت‌ها باید تغییر کند تا استعدادها در جایگاه واقعی قرار گیرند؛ مریم نمونه این استعدادهای نهفته بود.
تصورات ذهنی ما مریم‌ها را زنده به قبرستان روزگار سپرده‌اند این تصورات باید تغییر کنند تا میرزاخانی‌ها جایگاه خود را دریابند.
سوگ مردان ایران زمین برای مریم میرزاخانی شاید اظهار ندامتی بر رفتارهای نهادینه شده در درون آنها باشد.
عصر ایران

نگاهی به واکنش‌ها به قتل کودک ۷ ساله اردبیلی

مرگ آتنا و چالش غفلت از آموزش کودکان

مرگ تلخ آتنا، کودک ۷ ساله پارس آبادی، پس از همدردی‌ها خیلی زود درنگی در افکار عمومی ایجاد کرد. به طوری که بخش زیادی از واکنش‌ها به قتل آتنا به این سمت و سو رفت که چطور می‌شود و می‌توان مانع بروز این اتفاقات شد. برخی نبود آموزش‌های پیشگیری از آزارهای جنسی در مدارس را دلیل بروز این حوادث خواندند، گروهی از جنجال سند آموزشی ۲۰۳۰ مصداق آوردند و برخی بی‌توجهی به مقوله حجاب را در بروز این اتفاقات مؤثر خواندند. همه این بحث‌ها با واکنش‌های متعددی همراه شد.

موج توئیتری علیه قاتلان خاموش

حادثه تجاوز و قتل آتنا در شبکه‌های اجتماعی و به‌ویژه توئیتر نیز واکنش‌های زیادی به همراه داشت که کاربران با هشتگ قاتلان خاموش درباره تجربه تجاوز و آزارجنسی نوشته بودند. گروهی از کاربران که خواستار اعدام قاتل آتنا بودند و گروهی دیگر که مخالف اعدام بودند. یکی از کاربران در توئیتی نوشته بود: «من هم می‌گویم نه به اعدام و جدا تکراری است که «اگر بچه خودت هم بود این را می گفتی؟» به خاطر بچه‌هایمان باید به اعدام نه بگوییم چون باعث خشونت مضاعف می‌شود. »یکی دیگر از کاربران نوشته بود: «مخالفت با اعدام مخالفت با مجازات و تطهیرکردن مجرم نیست؛ اعدام مجازاتی غیرانسانی و قتل عمد قانونی است. نه به اعدام «حتی اگر... » ندارد. » پیش از مشخص‌شدن نتایج آزارجنسی آتنا، موجی در توئیتر به راه افتاد که مشکل اصلی را بدحجابی می‌دانستند. حسین ابراهیمی یکی از کاربران روحانی توئیتر نوشته بود: «قاتل آتنا خانم‌هایی هستند که با لباس‌های محرک و چسب که همه جای دنیا فقط قشر خاصی می‌پوشند، امان از جوان‌ها می‌برند! » این توئیت نیز واکنش‌های بسیاری داشت؛ تا جایی که الهام فخاری، منتخب پنجمین شورای شهر تهران در توئیتر خود نوشت: «قاتل آتنا، ستایش و بسیاری دیگر، نادانی، پافشاری بر نادانی و تلاش مستمر برای سر خود را زیر برف کردن است.» یکی دیگر از کاربران نوشته بود: «باید آموزش مسائل جنسی به کودکان داده شود تا اگر اتفاقی برایشان افتاد بدون خجالت کشیدن با خانواده‌هایشان در میان بگذارند.» در این میان سند ۲۰۳۰ و بند آموزش به کودکان برای پیشگیری از این اتفاقات مطرح شده بود ولی باید در نظر گرفت که مشکل آزار جنسی کودکان در ایران نیازمند آموزش در همه حوزه‌ها است، اینکه فقط به کودک آموزش داده شود که نه بگوید یا از حقوق خود بر بدنش آگاه باشد کافی نیست، پدر و مادرها، معلمان و.. باید با همکاری نهادهای مختلف پیگیر این موضوع باشند. علاوه بر این کلیپ‌ها و اینفوگرافی‌های بسیاری با محتوای آموزش آگاهی از آزارجنسی به کودکان در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد.



واکنش‌ها به فاجعه پارس آباد

پس از شبکه‌های اجتماعی که قتل آتنا اصلانی، کودک قربانی کودک‌آزاری را در ابعاد وسیعی پوشش دادند، نوبت به واکنش چهره‌ها و مسئولان رسید. اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهوری ضمن ابراز تأسف از قتل این کودک خواستار رسیدگی فوری به جنایت هولناک قتل «آتنا اصلانی» و مجازات قاتل شد.
علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز به قتل آتنا واکنش نشان داد و گفت باید به گونه‌ای عمل کنیم که دیگر در جامعه شاهد قربانی شدن آتناها و ستایش‌ها نباشیم. علی ربیعی در نشستی با بیان اینکه در بخش اعتیاد، طلاق، خودکشی، همسرآزاری و کودک‌آزاری و ضرب و جرح مسئولیت داریم، به ضرورت پیشگیری در سطوح مختلف اجتماعی پرداخت و گفت: «پیشگیری از مسئولیت‌های شناخته شده ماست و باید غربالگری‌های سلامت اجتماعی را گسترش دهیم.» او از تعبیر معماری روانی و اجتماعی برای پیشگیری از آسیب‌ها استفاده کرده و تأکید کرده است که تنها به این وسیله است که می‌توانیم با پدیده‌هایی چون تجاوز جنسی به کودکان مواجه نباشیم. علی لاریجانی، رییس مجلس شورای اسلامی نیز در اینستاگرام خود نوشت: «حادثه تلخ قتل دختر نازنین، دل‌های همه ملت شریف ایران را داغدار و اندوهگین کرده است. چهره معصومانه و نگاه پاک این کودک، تلخی و تأثر از مرگ جانکاهش را، بیشتر و ناگوارتر می کند. همه ما در غم و اندوه از دست دادنش به همراه خانواده محترم و عزیزش محزون و متأسف هستیم. ضمن اظهار همدردی و تسلیت این حادثه تلخ، از خداوند متعال برای خانواده محترم و به‌ویژه مادر داغدارش و همچنین مردم بزرگوار پارس‌آباد صبر و شکیبایی مسئلت می کنم.» او در ادامه این پیام از قوه قضائیه خواست تا در اسرع وقت و با دقت به پرونده این جنایت رسیدگی کند.
مرگ دلخراش آتنا وزیر بهداشت را نیز واداشت تا چند خطی درباره اهمیت سلامت روان در جامعه و نقش آن در تعادل و تثبیت امنیت اجتماعی بنویسد. حسن قاضی زاده هاشمی در یادداشتی که در کانال تلگرامی‌اش منتشر کرده است، گفته: «بارها از اهمیت سلامت روان در جامعه و نقش آن در تعادل و تثبیت امنیت اجتماعی سخن گفته شده است. مطالعات انجام شده در حوزه روان‌پزشکی نشان می‌دهد در جوامع بشری سوءرفتار جنسی با کودکان، شایع‌تر از آن چیزی است که تصور می‌شود؛ به گونه‌ای که براساس نتایج پژوهش‌های میدانی، در کشورهای غربی تا ۲۷ درصد دختران در کودکی مورد بدرفتاری یا آزار جنسی قرار گرفته‌اند.»
او با تأکید بر اینکه زخم‌های برجای مانده از چنین حوادثی، به آسانی التیام نمی‌یابد، گفته است: «داستان غم‌انگیز آتنای عزیز، بار دیگر ثابت کرد در کنار برخوردهای قاطع قضایی، با توجه به اقتضائات فرهنگی، نیازمند توجه به سلامت روان در جامعه و ترویج آموزش‌های لازم در مقاطع سنی و تحصیلی از طریق والدین، نظام آموزشی و رسانه‌ها، به‌ویژه صداوسیما هستیم.»
علاوه بر سیاست گذاران انجمن‌های حامی حقوق کودکان و نهادهای مدنی آموزشی کشور نیز در بیانیه‌هایی نسبت به این حادثه تلخ واکنش نشان دادند. انجمن حمایت از حقوق کودکان در بیانیه‌ای ضمن ابراز تأسف عمیق از این واقعه ناگوار، از آن به‌عنوان «تلنگری هر چند پر تکرار بر افکار عمومی» یاد کرد که ساختار اجتماعی را وادار می کند تا نسبت به بازشناسی نقش محیط و اجتماع در چرایی تحقق چنین جنایت‌های دردناکی تعمیق بیشتری داشته باشد. در بخش‌هایی از این بیانیه آمده است: «این کودک معصوم بیش و پیش از آنکه قربانی اندیشه و رفتار غیرانسانی یک مجرم سابقه‌دار شود، قربانی ناآگاهی‌هایی شده است که اجتماع در رفع آنها آن‌گونه که شایسته است همت نگمارده، قطعا اجتماع نیز دربرگیرنده تمامی نهادها از اصلی‌ترین آن که خانواده است تا دیگر نهادها خواهد بود.» معطل ماندن لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان در مجلس، برای جلوگیری از تکرار چنین فجایعی یکی دیگر از مواردی است که در بیانیه این نهاد مدنی حامی حقوق کودکان بر آن تأکید شده است. «اجرای ضعیف قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۸۱، همگی مسبب وقوع چنین حوادثی هستند. وقت آن است که رسانه‌ها و مسئولان برای حساس‌سازی جامعه نسبت به موارد مزبور وارد عمل شوند. از آنجایی که حقوق کودکان به دلایل روشن مورد حمایت ویژه قوانین داخلی و قواعد بین‌الملل است، جنایت علیه آتنا اصلانی ۷ساله، نقض آشکار و دردناک حقوق کودک محسوب و محکوم نمودن آن نیز بی‌توجه به چرایی آن مفید به فایده نخواهد بود.»
در بیانیه‌ای دیگر کانون صنفی معلمان پیرامون واقعه هولناک تجاوز و قتل آتنا اصلانی خواستار اصلاح نظام آموزشی و تربیتی کشور در مقابله با چنین بحران‌هایی شد. واقعیت این است و باید اقرار کرد که روش‌های تربیتی حاکم، به واسطه سیطره نگاه سطحی و تک بعدی و عمدتا ایدئولوژیک به مقوله آموزش‌وپرورش و تلاش بیهوده برای حفظ ظواهر، جهت مطلوب جلوه دادن فرهنگ جامعه، تاکنون، دستاورد قابل قبولی نداشته است و نیم نگاهی به آمارهای جهانی، بیانگر این واقعیت تلخ است که کشور ما، در زمینه فساد و جنایت، در وضعیت نگران کننده‌ای قرار دارد. به راستی آیا زمان آن نرسیده است که مسئولان کشور به خود آیند و در روش‌های منسوخ تربیتی، تجدیدنظر کنند؟ آیا زمان آن فرا نرسیده که آموزش‌وپرورش کشور، در مسیری که برایش تعریف کرده‌اند بازنگری کند و به جای تحمیل خروارها خروار مفاهیم کهنه و بعضا بی‌فایده، بخشی از نیرویش را صرف آموزش مسائلی کند که نیاز امروز و آینده زندگی فردی و اجتماعی است؟ بیایید باور کنیم که خطر در کمین تک تک فرزندان ماست. آنچه دیروز برای ستایش‌ها اتفاق افتاده و امروز برای آتنا اصلانی، فردا می‌تواند دامنگیر فرزندان ما و شما شود. در این رابطه، آموزش بهداشت و سلامت جنسی و توانمندسازی کودکان در برابر آزار و سوءاستفاده جنسی باید در اولویت قرار گیرد.
http://vaghayedaily.ir/fa/News/۷۶۴۹۶

مرگ آتنا؛ رابطه محیط جغرافیایی و بزهکاری های اجتماعی

رحمان شهسواری- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

براستی چرا با اینکه هر چند وقتی که جامعه دچار التهابی حاصل از تجاوز به کودکان معصومی می شود که قربانی بیماران و مجرمان و تبهکاران جنسی می شوند ولی خانواده ها با آنکه حساسیتی نسبت به کودکان خود دارند اما باز غفلتی کوتاه باعث خساراتی جبران ناپذیر می گردد؟
پاسخ این سئوال در مسئولیت پذیری همه شهروندان در انتخاب مسئولین مدیریت شهری است که بدون شناخت از اوضاع محیطی و انسانی منطقه تحت مدیریت خود صرفا با نگاهی سیاسی به مدیریت ها نگاه کرده و اعمال قدرت می کنند. هر شخصی که بعنوان شهردار، فرماندار، مسئول انتظامی و امنیتی و دادستان در هر منطقه ای مشغول انجام وظیفه است می بایست چنان شناختی از محیط جغرافیایی تحت حوزه قدرت خود داشته باشد که وقوع هر حادثه هولناکی نظیر قتل، غارت و تجاوز توسط مجرمین را پیش بینی و قبل از وقوع پیشگیری نماید.
در شهرهای قدیم که دارای برج و بارو و دروازه بود اگر غریبه ای وارد شهر می شد از همان لحظه ورودش به شهر زیر نظر داروغه و حاکم تا تک تک شهروندان بود و همه حرکات و سکناتش از نگاههای تیز بین شهروندان مسئولیت پذیر پنهان نمی ماند و اگر امروز ما با حجم وسیعی از جمعیت متراکم انسانی در درون شهرها مواجه هستیم اما نباید فراموش کنیم که میزان دسترسی به فناوری های مدرن اطلاعات و تشخیص هویت به همان میزان در اختیار مدیران هستند.
در کشورهای پیشرفته اگر مجرم و یا بزهکار اجتماعی مدتی در زندان باشد و دوران محکومیتش به پایان برسد و آزاد شود پس از آزادی تا سالیانی دراز زیر نظر خواهد بود و امکان فرصت دوباره وقوع جرم و جنایتی از او سلب خواهد شد، اما در کشورهای کمترتوسعه یافته این امکان وجود ندارد و بعضا کسانی که به دلایلی مدتی در زندان بوده در محیط زندان با کسب مهارتهای دیگر آنان را پس از آزادی در جامعه عملی خواهد کرد. نمونه عینی و ملوس آن قاتلین سریالی است که مدتی سابقه حبس داشته اند.
شهروندان سراسر ایران باید توجه کنند که در کنار کودکانشان همچون ستایش و حنانه و آتنا اصلانی فرصت جویانی هستند که در زمان و مکان مناسب کودکان را طعمه وسوسه های شیطانی خود می کنند چرا که امروز دیگر این اشخاص نیستند که به فساد و جنایت افسارگسیخته ای کشانده شدند بلکه محیط های جغرافیایی هستند که فاسد و مجرمند و باید محاکمه و پاکسازی شوند و مردم باید باورکنند که با اعدام قاتلین قربانیان خشونت هرگز محیطهایی که هزاران قاتل و فاسق و فاسد در درون خودش پرورش داده پاک نشده اند و ممکن است فردا نوبت فرزندان معصوم شماها باشد.
سرنوشت دردناک آتنا اصلانی را بومی و محلی کنیم و مواظب محیط هایی باشیم که درآنجا فرزندانمان زندگی می کنند و میکروبهایی در آن هست که دنبال کوچکترین فرصت اند البته نباید فضای ناامنی نسبت به انسانهای شریفی که بعضی مواقع بیشتر از والدین از کودکان و نونهالان مواظبت می کنند ایجاد شود بلکه مراد از مطلب کسانی هستند که دارای سابقه شرارت و تجاوز و زورگیری بوده و بنا به ملاحضاتی اکنون در محیط رها شده اند.

نسیم جنوب
۷
اجتماعی
شماره ۸۴۴ یکشنبه ۲۵ تیر ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

ملاحظاتی پیرامون انتقال جسد فایز از دشتی به وادی‌السلام

غلامرضا زائری - دبیر تاریخ دبیرستان زیارت ساحلی



چکیده: این پژوهش به بررسی چگونگی انتقال جسد محمدعلی فایز، شاعر و ترانه‌سرای پرآوازهٔ جنوب ایران از محل زندگی‌اش یعنی ناحیه دشتی به عتبات می‌پردازد. در این تحقیق علاوه بر استفاده از کتب مرتبط با شعر و زندگی فایز که اغلب در زمینهٔ پژوهش حاضر مطالب یکسانی دارند از تحقیقات میدانی و مصاحبه با سالمندان نیز استفاده شده است. نتایج به دست آمده از این تحقیق عبارت است نخست این که فایز خود قبل از فوتش برای دفن در عتبات، وصیت نموده و هزینه انتقال را نیز در نظر گرفته است، در ثانی انتقال جسد فایز مثل سایر مردم برگزار شده است. اما برای تعیین محل دقیق نگهداری جسد قبل از انتقال و نیز مسیر دقیق انتقال جسد هنوز به تحقیقات بیشتری نیاز است.

مقدمه: پژوهش حاضر در پی شرح و نقد روایت‌های موجود درباره چگونگی انتقال جسد فایز، شاعر معروف جنوب ایران است. چون این مبحث در هیچ کدام از زندگی‌نامه‌های مربوط به زندگی فایز قید نشده است اهمیت خاص خود را دارد. علت انجام این پژوهش، روشن کردن گوشه‌ای کوچک از سرنوشت این شاعر در زمان زندگی و مرگ است که تاکنون توجه هیچ محققی را به خود جلب نکرده است.

این پژوهش از طریق ترکیب دو روش پژوهش تاریخی یعنی تحقیقات میدانی و مصاحبه با کهنسالان منطقه انجام شده است. در کنار آن از شیوهٔ علمی و نسبتاً جدید کشف و شهود تحقیقات تاریخی که با کمک انباشت اطلاعات فراوان در زمینه موضوع مورد نظر و مقایسه آن با موارد مشابه به دست می‌آید نیز استفاده شده است.

این پژوهش در یک «مقدمه»، دو بخش «معرفی فایز» و «انتقال جسد» و یک «نتیجه» انجام شده است و پایان بخش آن ذکر منابع و مآخذی است که می‌توان برای تحقیق مشابهی از آن استفاده کرد. پژوهش حاضر در مدت زمانی نزدیک به سه سال صورت گرفته است.

۱- معرفی فایز

فایز برای مردم جنوب به طور عام و برای اقشار تحصیل‌کردهٔ سراسر ایران و به ویژه علاقمندان به شعر و شاعری به طور خاص شناخته شده است. لذا در اینجا خلاصه‌ای از آن چه دیگران درباره زندگی وی نگاشته‌اند آورده می‌شود زیرا مخاطب تحقیق حاضر همین دو گروه فوق‌الذکر هستند.

محمدعلی متخلص به فایز، در حدود سال ۱۲۵۰هـق./۱۲۰۹هـش. در کردوان یکی از روستاهای دشتی در جنوب کوه مُند دیده به جهان گشود. وی در کردوان و سپس در حوزهٔ علمیه شهر بردخون تحصیل نمود. بعد از تحصیل دوباره به کردوان برگشت با کشاورزی به امرار معاش پرداخت. سفری به کربلا رفت و زایرمحمد نامیده شد. به دلیلی از کردوان به روستای شَنبه مهاجرت کرد. الفت وطن موجب شد که فایز از شنبه روی به زادگاهش نهد اما در نزدیکی کردوان در روستایی به نام گزدراز سکونت گزید و چند دهه آخر عمر را در همین‌جا به سر برد تا در سال ۱۳۳۰هـق./۱۲۸۹هـش. چشم از جهان فروبست.

فایز در روستای گزدراز از مراحم مخصوص کدخدای آنجا برخوردار شد و طبق روایات شفاهی، کدخدا در جوار عمارت خود، قطعه زمینی در اختیار وی گذاشت تا با آن به امرار معاش بپردازد. فایز در همین ملک نخلستانی ایجاد کرده و در «سرآب» آن کلبه‌ای کاه‌گلی به شیوهٔ سایرین بنا کرد و در بالادست آن کُناری غرس کرد تا از سایه‌سار و برگ و چوبش بهرمند شود. امروز که این تحقیق نگاشته می‌شود خانه تقریبا با خاک یکسان شده ولی نخلستان و کُنار هنوز سر پا هستند.

۲-انتقال جسد

همانطور که گفته شد فایز در یکی از روزهای سال ۱۳۳۰هـق./۱۲۸۹هـش. درگذشت. روز درگذشت وی بر ما شناخته شده نیست ولی با تحقیقات دامنه‌داری که نگارندهٔ این سطور در مورد وقایع مرتبط با مرگ شاعر و انتقال جسد ایشان به عمل آورده مشخص شد که فایز به مرگ طبیعی و احتمالا به علت کهولت سن درگذشته است و بیماری‌های خاص آن روزگار یا موضوع دیگری باعث مرگ وی نشده است.

موضوع دیگری که در این تحقیقات مشخص شد این بود که فایز قبل از مرگ، نخلستان و سراب آن را «امام حسینی» کرده بود. منظور از این اصطلاح در روشن‌ترین مفهومش در روزگار فایز این بوده است که شخصی در اواخر عمر نخلستانی را وقف می‌کرد تا هر کس که توانایی انتقال جسد وی به کربلا یا نجف را داشته باشد و این کار را به انجام برساند آن را صاحب شود.

با تحقیقات دیگر معلوم شد که انتقال جسد فایز بلافاصله پس از مرگش اتفاق نیفتاده بلکه از زمان درگذشت وی تا انتقال جسدش مدت زمانی طول کشیده است و این مدت نیز معلوم نشد که چقدر زمان را در برگرفته است. در مورد وضعیت جسد، دو روایت گفته شد که چون هیچ ترجیحی برای نگارنده ممکن نشد لذا هر دو ذکر می‌شود. هر دو روایت متفق‌القولند که جسد فایز را بلافاصله غسل داده‌اند و در تابوتی از جنس چوب درخت گز و یا کُنار گذاشته‌اند. روایت نخست می‌گوید که جسد در یکی از اتاق‌های منزل شخصی شاعر نگه داشته شده است، درب خانه را با خشت و گِل مسدود کرده‌اند و دو سوراخ کوچک در دیوار اتاق تعبیه کرده‌اند، تا این که فردی برای انتقال جسد داوطلب شده است. گفته شد که این فرد یکی از مذهبیون منطقه بوده است و همراه کالبد بی جان فایز، چند میّت دیگر را نیز به عتبات برده است و با کاروانی از زائران کربلا طی طریق کرده است.

روایت دیگر هر چند غسل فوری جسد را تأیید می‌کند اما می‌گوید که جسد را در دوره قبل از انتقال، در خانه شخصی فایز نگه نداشته‌اند بلکه آن را به امامزادهٔ روستای گزدراز برده و در کنار چند جسد دیگر گذاشته‌اند و نام صاحب هر جسد را در کاغذی نوشته و در درون تابوت گذاشته‌اند تا این که داوطلب مذکور پیدا شده است و باقی حوادث را مثل روایت نخست نقل می‌کند.

البته انتقال فوری جسد امکان‌پذیر هم نبوده است زیرا می‌بایست مدتی بیش از شش ماه می‌گذشت تا رطوبت آن گرفته شود. همانطور که هنگام مرگ، شیون می‌شده و سپس تا هفت روز مراسم قرآن‌خوانی برگزار بوده است. هنگام انتقال جسد نیز بستگان یک بار دیگر به طرز دردناک‌تری شیون سر داده‌اند زیرا درد فراق اکنون به شکل واقعی‌تری حس شده است.

داوطلبِ انتقال جسد برای این که اکنون مشتی استخوانَ را در تابوت داشته است و طبق تجربه دیده است که امکان گسیختن و تلاشی جسد وجود دارد این بوده است که درون تابوت را از برگ درخت «دریمه» و «کریشک» یا مخلوطی از هر دو انباشته است. بدین ترتیب که ابتدا لایه‌ای را در زیر جسد گذاشته و سپس اطراف و در نهایت روی جسد را به همین طریق پوشانده است. علت دیگر استفاده از برگ این درختان غیر از هدف مذکور، این بوده است که این دو درخت به علت بوی معطری که دارند از خاصیت آزار دهندهٔ بوی جسد میت می‌کاهند. ناگفته نماند که نگارنده نتوانست عنوان علمی این درختچه‌ها را پیدا کند و از نام محلی آن استفاده کرد اما لازم به ذکر که این دو گیاه هنوز در کوه‌های گزدراز می‌رویند و مردم این سامان برای آن استفاده دارویی قائل هستند.

برای مسیر انتقال جسد نیز دو روایت وجود دارد یکی این که گفته می‌شود اجساد فوق را با حیوانات بارکش و از راه خشکی و جاده تاریخی حاشیه خلیج فارس به آنجا برده‌اند. اما روایت دیگر ضمن تأیید قسمتی از روایت نخست عنوان می‌دارد که به علت این که در آن ایام که جسد مهیای انتقال شده است به علت ایجاد اشکالی در روابط بین ایران و بغداد راه زمینی مسدود بوده است جسد را ابتدا به خورِخان در شمال شهر کنونی بردخون انتقال داده و سپس با یک لنج تا کویت و سپس تا بصره رسانده‌اند و باقی مسیر را دوباره با حیوانات بارکش انتقال داده‌اند.

چون با تمام تحقیقاتی که در مدت چند سال کار بر روی این پروژه انجام شد مدرکی برای تعیین دقیق زمان انتقال جسد به دست نیامد لذا امکان ترجیح یک روایت نسبت به دیگری به دست نیامد؛ زیرا نخست این که مشخص نشد مرگ شاعر دقیقا چه زمانی بوده است و از سوی دیگر بعد از سال فوت فایز چند بار روابط ایران و بغداد مختل شده است.

جسد فایز پس از رسیدن به جایگاه ابدیش در وادی‌السلام به نیت آخرین زیارت، یک بار دور مرقد مطهر آنجا طواف داده شد و پس از انجام تشریفات قانونی به خاک سپرده شد.

نتیجه:

فایز در سال ۱۳۳۰هـق./۱۲۸۹هـش. از دنیا رفت. جسدش را مدتی نگه داشتند و سپس فردی مذهبی با دریافت نخلستان فایز به عنوان دستمزد، جسد را به وادی‌السلام رسانده و پس از انجام تشریفات مذهبی و قانونی به خاک سپرده است. اختلاف اندکی در روایت‌های موجود در زمینه انتقال جسد وجود دارد که چندان قابل ملاحظه نیست.

منابع و مآخذ

۱-سید روح الله صفوی، اشعار فایز دشتی، تهران: انتشارات نگاه، چاپ اول ۱۳۹۴.
۲-عبدالمجید زنگویی، ترانه‌های فایز، تهران: ققنوس، چاپ چهارم، ۱۳۶۹.
۳-عبدالمجید زنگویی، شعر دشتی و دشتستان، تهران: بی نا، ۱۳۷۸.
۴- مهروش طهوری، ترانه های فایز، تهران: قدیانی، ۱۳۹۲.
۵-روایت‌های شفاهی کهنسالان منطقه.

کارگران در حالِ مرگ‌اند

امیر چمنی: کارگران در حالِ مرگ‌اند. کسب و کارشان «تهیدستی»، «بی‌حقوقی»، «اخراج»، «تحقیر»، «بیگاری»، «ناایمن بودن» و «مرگ» است. نه «امنیت» مالی و شغلی دارند، نه امنیت جانی! کارگران، مردمانِ بی‌فردا و بی‌آرزوی این دیارند. همان «بدن‌های مازاد»ی که برای گرداندن چرخ‌دنده‌های سیستم سرمایه‌داری به صورت لشکری بی‌شمار و کم‌بها به سانِ برده باید قربانی شوند.

تیتر مرگ‌های «یک هفته‌ی اخیر» کارگران را ببینید:



- مرگ کارگر شهرداری چغادک در استان بوشهر به علت گرما
- مرگ ۱ کارگر و مصدومیت ۵ کارگر دیگر در حادثه‌ی آتش‌سوزی کارخانه‌ی کارتن‌سازی در منطقه‌ی خاوران
- مرگ ۱ کارگر جوان بر اثر ریزش محتویات یک چاه در یک مرکز بازپروری
- مرگ راننده‌ی خودرو سنگین در برخورد با کابل برق فشار قوی در بوکان
- مرگ ۴ کارگرِ چاه‌کن در تهران در اثر سقوط و خفگی (۱۶ تیر)
- مرگ کارگر ۵۱ ساله‌ی پروژه‌ی طرح اگو مشهد بر اثر برق گرفتگی (۱۹ تیر)
- مرگ ۳ کارگر ۲۳، ۳۹ و ۴۰ ساله‌ی کارخانه‌ی بشارت تبریز، در اثر گازگرفتگی (۲۱ تیر)

بحران آب و لزوم توجه به چاره اندیشی

محمدعلی عبدالشیخی



در دهه اخیر بحران کمبود آب به عنوان یکی از مسائل فراگیر و حیاتی در سطح جهان مطرح بوده است که به تبع آن ایران نیز با توجه به موقعیت جغرافیایی خاصی که دارد, علاوه بر این که مستثنی نبوده است, تلاطم شدیدتری از این معضل را به خود لمس کرده است و مطلقا بخش مرکزی و جنوبی خود را روی خط قرمز کم آبی می بیند.

در این یادداشت به اختصار سعی می شود تحلیلی اجمالی از عوامل پدیدآورنده ی این نابهنجاری به مثابه موقعیت خاص جغرافیایی کشور و در کنار آن از نقش تخریبی نیروی انسانی در استان بوشهر با ارائه پیشنهاداتی در قالب برنامه های بلندمدت اندکی نگاشته شود.

با در نظر داشتن تمامی زوایای منوط به این مبحث, درک و پذیرش این چرایی مهم که چگونه است مردمانی که در جوار دریایی به این عظمت گذران دارند می بایست از فراق بی آبی گالن به دست و همسایه به همسایه با رنج به دنبال جرعه ای آب برای گذران حداقل های خود در شرب و شستشو باشند.

همان طور که واضح و مبرهن می باشد بیش از ۹۰ درصد آب مصرفی استان بوشهر از دو استان همسایه تأمین می شود که ۶۰ درصد این آب از طریق خط آبرسانی و سد کوثر در استان کهگیلویه و بویراحمد و ۳۰ درصد از آب چشمه ساسان کازرون تأمین و توزیع می گردد که با در نظر داشتن کاهش منابع تأمین به دلایل کاهش بارش ها و به تبع آن خشکسالی, هر ساله با شروع فصل تابستان و نیاز مبرم مردمان نجیب استان بوشهر به آب, پیوسته چماق تهدیدهای رنگین نمایندگان استان های فوق الذکر مبنی بر قطع آب را بر روی سفره های خالی خود مهمان دارند. حال این که چگونه پیش رفته است که استان بوشهر با دارایی بیشترین ظرفیت و پتانسیل ها در حوزه ارزآوری و واریزی به خزانه که نقشی غیر قابل انکار در توسعه و تعالی این دو استان همسایه داشته است و در پی آن امروز این گونه جواب محبت خود را با قدرنشناسی و تهدید نظاره و دریافت دارد, قصد و مجال به پرداخت آن در این مقال را نداریم.

با شرح این تفاسیر می طلبد که همت و خواست مسئولین ذیربط را با تدبیر در جایگزینی روش های مختلف تأمین که بخشی در ذیل ذکر خواهد شد در پی مهار بحرانی که قابل حل است و تنها اراده می طلبد را در ادامه راه شاهد باشیم.

استان ساحلی بوشهر با دارایی بیش از ۷۰۷ کیلومتر مرز آبی با خلیج فارس فرصتی ناب و بی بدیل را برای بهره گیری از این داشته به جهات رهایی از بحران و کمبود آب در اختیار دارد, اما متأسفانه با وجود پذیرش تلاش های صورت پذیرفته از سوی نماینده ارشد دولت در استان, قصه آب شیرین کن های ناخوش احوال استان بوشهر به طبع میل مردمانش نگارش نمی شود. در همین راستا در چند سال اخیر مجوز ۹۵۰۰۰ هزار متر مکعب آب شیرین کن توسط وزارت نیرو برای استان بوشهر صادر شده است که از این میزان ۲۰ درصد معادل ۲۰ هزار متر مکعب به مرحله تولید و بهره برداری رسیده, ۳۵۰۰۰ هزار متر مکعب در دست ساخت و مابقی در مناقصه است, با این وجود در نظر داشته باشیم که حتی با تکمیل پروژه های فوق نیز تنها شاهد افزایش تولید ۳۰ درصدی منابع تأمین آب آشامیدنی در خود استان خواهیم بود که با نگاهی واقع بینانه برای استان تمام ساحلی بوشهر امری چشمگیر و قابل قبول به حساب نمی آید.

در ادامه امید می رود که مجمع نمایندگان استان نیز به جای چسبیدن به فرع و ایجاد تفرقه و بیانیه پراکنی برای مواردی به مشابه ریاست مجمع و ... ! همپای نماینده ارشد دولت در استان سعی در جذب مجوز و یافت روزنه های تخصیصی اعتبارات برای آب شیرین کن های جدید در نوار ساحلی استان دارا اما ندار خویش را داشته باشند.

در زمستان سال گذشته شاهد نزول بارش های قابل توجهی در استان بوشهر بودیم که عدم وجود یک مدیریت صحیح و تبعیت از یک استراتژی مدون برای نگه داشت آب های سطحی و روان آب ها, بیش از ۸۰ درصد حجم بارندگی فوق را روانه دریا ساخت.

بنابراین در کنار اهتمام دهی به مبحث آب شیرین کن ها, مغفول نماندن از رونق اجرایی سدهای اهرم, باغان, دشت پلنگ, دالکی و ... می باشد, پروژه های بر زمین مانده ای که مدت های مدیدی است که متأسفانه تلاشی را برای تخصیص اعتبارات لازم به جهت احیای اجرایی ساختن و شروع به کار نمی بیند.

طبق برآوردهای رسمی میزان هدررفت آب در شبکه های توزیع و آب رسانی روستایی استان بوشهر حدود ۳۵ درصد است, عدم تأمین اعتبارات لازم تا به امروز برای بازسازی و اصلاح این شبکه های فرسوده که بعضا عمری بالغ بر ۳۰ تا ۵۰ سال دارند, همان اندک داشته های باقی مانده ما از ذخایر آبی را نیز با خود به یغما می برد که در کنار بازسازی شبکه های فرسوده مجموعه مدیریتی آب استان می بایست توجه به زیرساخت های جدید را بیشتر مدنظر داشته باشد.

نگارنده تمام سعی خود را برخلاف میل به کار می بندد که حداقل در این یادداشت از بی توجهی مفرط و بی پایان صنایع و شرکت های مستقر خصوصی و دولتی در استان بوشهر ننالد, اما مگر می شود؟

وظیفه و قول های فراموش شده نیروگاه اتمی در قبال تأمین آب مردم استان بوشهر در سایه بی توجهی و خوش خیالی صاحب منصبان سری درازا به خود دارد, پارس جنوبی و شرکت های پتروشیمیایی و پالایشگاهی اش را که دیگر بی خیال شده ایم و تنها رویایش را مختص به خود می دانیم.

صحبت پایانی: در این بین تنها بخشی از انتقادات را می توان به مسئولین و نمایندگان به دلیل تساهل و تسامح در اعتباربخشی برای پروژه های بر زمین مانده استان روا داشت, قطع به یقین بدانیم که خالق بخش عمده ای از این بحران فراگیر ما مشترکان بوده ایم, عدم مدیریت مصرف در حوزه های خانگی, اداری و خدماتی روند نامطلوبی به خود گرفته است و بخش عظیمی از هدر رفت را به خود اختصاص داده است. سرانه مصرف آب بر اساس استانداردهای ملی ۱۸۴ لیتر می باشد, در حالی که مصرف روزانه ما در استان ۷۶ لیتر از سرانه فوق تعدی دارد, پس می طلبد که با خواستی راسخ فرهنگ مدیریت مصرف بهینه و اجتناب از مصرف غیر ضروری را در صدر دیده های خود نسبت به ارزش دهی به این سرمایه در حال زوال وارد داشته باشیم.

مصاحبه با فرامرز لایقی ، مدیر هسته فناور "تفریح سازان دریا":

ایستگاه های آب درمانی نقش محسوسی در افزایش هویت گردشگری بوشهر دارد

- لطفاً خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

- فرامرز لایقی هستم، مدیر هسته فناور "تفریح سازان دریا" با برند فرزاد.

-مفهوم واژه فرزاد چیست؟

- فرزاد از واژه های (فر، زاد، دریا) گرفته شده و به معنی "شکوهی از دریا، آرامشی از فراسو" است.

- مختصری از زمینه کاری تیم فرزاد بگوئید؛ از اینکه ایده اصلی از کجا شکل گرفت و در حال حاضر در چه مرحله ای قرار دارید؟

-از سال ۹۳ با جمعی از دانشجویان دانشگاه خلیج فارس فعالیت های اولیه ای را در زمینه ورزش ها و تفریحات آبی ساحلی شروع کرده و در سال ۹۴ با پذیرش در مرکز نوآوری خلیج فارس اقدام به طراحی و ساخت دوچرخه دریایی نمودیم. ضمن ساخت محصول اول موفق به اختراع و ثبت تشک دریایی ماساژ شدیم. سال ۹۵ نیز طرح اولیه ایستگاه های آّب درمانی و فیزیوتراپی دریایی شکل گرفته و پس از بررسی و تست های متعدد تیم نسبت به نیاز محور بودن طرح به یقین رسیده و از خرداد ۹۶ وارد فاز اجرایی شد. در این سال اولین نمونه تجاری دوچرخه دریایی با سه کاربری مورد آزمون گرفت. در حال حاضر عمده فعالیت به راه اندازی ایستگاه های آّب درمانی در ساحل بوشهر و تجاری سازی تشک دریایی ماساژ اختصاص داشته و امیدواریم به زودی دوچرخه دریایی نیز وارد خط تولید و عرضه گردد.

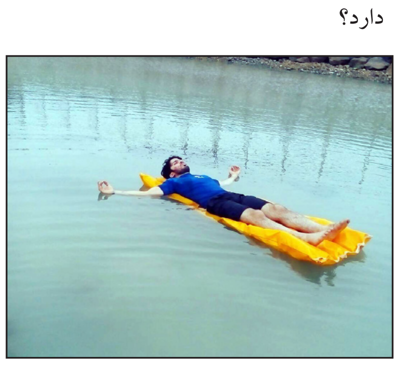
- در مورد قابلیت های اختراع تشک دریایی ماساژ و خدمات ایستگاه های آب درمانی توضیح بفرمایید:

- تشک دریایی ماساژ ابزاری مناسب برای آرامش روی آب، تقویت عضلات و کاهش عارضه های استخوانی (آرتروز)، و ورزش نشاط آفرین هست. در زمان مواج بودن دریا هم بر برای موج سواری و ماساژ کاربرد دارد. ایستگاه های آب درمانی مکانی برای آموزش و تمرین تخصصی حرکات آب درمانی، همچنین ریلکسیشن روی آب است. آموزش سطحه رانی، شنا و ماساژ از خدمات جانبی ایستگاست. اولین ایستگاه آب درمانی تیم فرزاد از ابتدای تیر ماه امسال به صورت پایلوت در ساحل پارک دانشجو شروع به فعالیت نموده است.

- در صحبت ها به ورزش سطحه رانی اشاره کردید، در این خصوص توضیح بفرمایید:

-این ورزش اولین بار در بوشهر اختراع شده، و ترکیبی از شنا، قایق رانی و ریلکسیشن هست. در عین نشاط آفرین بودن، حضور و خودآگاهی فرد را افزایش می دهد. بسیار راحت می توانید روی آب بخوابید و با حرکات دست (در حالت های مختلف - کرال، نشر طرفین، سرشانه) به جلو حرکت کنید. از یک کودک پنج ساله تا سالمند ۷۰ ساله -خانم یا آقا- به سادگی می توانند این ورزش را انجام دهند. در زمان مواج بودن دریا سطحه رانی سبک شدن و هیجان رنجر رو دارد. به جرأت می توانم بگویم از جذاب ترین و نشاط دهنده ترین ورزش هاست.

- ایستگاه های آب درمانی چه تأثیری روی اقتصاد و گردشگری شهر و سلامت شهروندان دارد؟



- تقریبا می توان گفت از هر ۱۰ نفر فرد بالای ۳۰ سال حداقل ۳-۵ نفر دارای آرتروز یا فشار خون یا عدم آرامش است. توسعه ایستگاه های آب درمانی و افزایش سرانه ورزش های آب ساحلی می تواند تأثیر مثبتی روی سلامت جسم، آرامش ذهن، پویایی و نشاط شهروندان داشته باشد. ایستگاه های آب درمانی نقش محسوسی در افزایش هویت گردشگری بوشهر به عنوان اولین شهر دارای این ایستگاه ها در کشور خواهد داشت. البته این امر نیازمند همکاری جدی شهرداری و ایجاد زیرساخت های اولیه است.

هر ایستگاه آب درمانی با هزینه حدود ۱۰ میلیون تومان می تواند موجب ایجاد شغل برای ۲- ۵ نفر گردد. لازمه این امر در کنار ایجاد زیرساخت ها، فعالیت های هدف مند و منسجم سازمان های ذی نفع جهت فرهنگ سازی و افزایش سرانه ورزش های آبی ساحلی است.

- مهمترین چالش و نیاز شما در حال حاضر برای راه اندازی و توسعه ایستگاه های آب درمانی چیست؟

- مهمترین نیاز ترغیب شهروندان به استفاده بیشتر از دریا و معرفی مزایای آب درمانی و ریلکسیشن هست. ایجاد زیرساخت های اولیه برای تسهیل استفاده از دریا نیز ضروری است. به نظر بایستی سالها پیش چنین زیرساخت هایی در شهر ایجاد می شد و دغدغه های حاضر فراتر از دوش، سرویس، روشنایی و راه دسترسی می بود. شاخص بوشهر دریاست ولی این نعمت نمودی در آموزش و پرورش و حتی دانشگاه ما ندارد. منطقی است در یک شهر ساحلی آموزش ورزش های آبی ساحلی بر سایر ورزش ها اولویت داشته باشد. تأثیر این آموزش بر اشتغال و هویت اجتماعی و موفقیت ورزشی شهر مشهود خواهد بود.

- چه سازمان هایی در توسعه و موفقیت طرح شما نقش دارند؟ انتظار شما از آنها چیست؟

-رسانه ها، فعالین اجتماعی و مسئولین به عنوان جهت دهندگان انتخاب شهروندان در سرعت پذیرش طرح های تیم نقشی محسوس دارند. انتظار از آنها استفاده عملی از ایستگاه های آّب درمانی و تشک دریایی ماساژ همراه با بیان صریح احساس درونی است. انتظار از شهرداری نیز به عنوان مسئول خدمات شهری، تسهیل و تسریع همکاری جهت ایجاد این ایستگاه ها است از سایر سازمان های فعال در زمینه ورزش های آبی ساحلی نیز انتظار استفاده از محصول داخلی و حمایت منسجم جهت موفقیت نوآوری جوانان بوشهر را دارم.

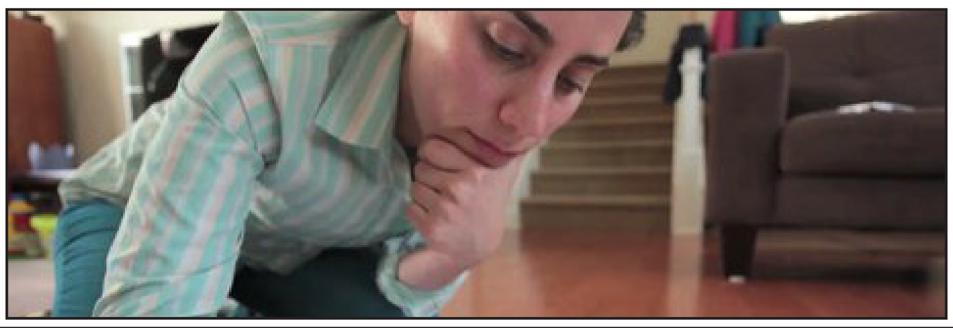
- چه توصیه‌ای برای دانشجویان، کارآفرینان جوان یا علاقمندان به کارآفرینی دارید؟

-با نگاه خلاق محیط را ببینید، به دنبال راهکار هایی دانش محور برای پاسخ به نیازهای بازار و اجتماع باشید. به طرح ها و اختراعات پیرامون توجه کنید. اغلب پیچیده نیستند، ولی مخترع با جسارت و باور به تولید و عرضه برنامه محور آنها پرداخته است. یقین داشته باشید ایده های شما می تواند موجب کارآفرینی و رشد اجتماع گردد. امید شما به فراسو، باور به ایده هایتان، سنجش و اصلاح مداوم و اقدام مستمر نقش مؤثری در نوآوری و موفقیت شما خواهد داشت.

- در پایان اگر سخنی دارید بفرمایید.

- امیدوارم بتوانیم با محصولات نوآورانه تیم فرزاد ضمن کارآفرینی به عنوان جهادی مقدس، به همشهریانم سلامتی و الهام بخشی را عرضه کنیم. از همه کسانی که ما را در مسیرمان کمک کردن تشکر می کنم. و دست یاری همه فعالین اجتماعی بوشهر را برای ساختن یک شهر الهی و الهام بخش با نوآوری های دریامحور، به گرمی می فشارم.

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com
صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



نامه سرگشاده شورای هماهنگی جبهه اصلاحات استان بوشهر به رئیس جمهور:

آقای رئیس جمهور چرا استان بوشهر در دولت وزیر ندارد



بسم الله الرحمن الرحیم
امام علی(ع): ((العدل اعطاء کل ذی حق حقه)
محضر مبارک ریاست محترم جمهوری
جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی
با عرض سلام و تحیات وافر

احتراما همانگونه که مستحضرید، استان بوشهر دارای شاخصه های منحصربفردی است که وقتی به فهرست درآید اسباب تعجب همگان را بر می انگیزد، که چگونه ممکن است یک استان به طور همزمان ویترینی از ضعف ها و قوت ها باشد. قوت هایی که مردم استان کمترین بهره ای از آن ندارند و ضعف هایی که آحاد مردم یکپارچه با آن دست به گریبانند. اما جهت جلوگیری از اطاله کلام در اینجا به تنها بخشی از آن پرداخته می شود.

۱- استان بوشهر از معدود استانهایی است که دارای افزون بر ۶۰۰ کیلومتر مرز آبی با یکی از حساس ترین خلیج های جهان یعنی خلیج فارس است. خلیجی که نفت را به کالبد صنعت جهان پمپاژ می کند یعنی قلب حیات صنعت جهانی در آن می تپد.

۲- استان بوشهر تنها استان کشور است که تنها راکتور هسته ای ایران اسلامی در آن احداث شده است.

۳- استان بوشهر تنها استان کشور است که بزرگترین منبع گاز جهان در آن قرار دارد. از پتروشیمی و میعانات گازی تولیدی در استان هم که سهم بسزایی در اقتصاد ملی دارند صرف نظر می کنیم.

۴- استان بوشهر تنها استان کشور است که تقریبا صد در صد صادرات نفت ایران از آن صورت می گیرد.

۵- استان بوشهر از معدود استان های کشور است که سوای صید آبزیان از خلیج فارس، دارای بزرگترین مزارع پرورش آبزی درکشور است و در تأمین بخشی از سبد غذایی ملت ایران نقش مستقیم و معناداری بازی می کند. و تنها استان کشور است که اولین دروازه تمدن و تجارت ایران زمین در اعصار گذشته بوده و الان بنادر مهم آن آخرین نفس های خود را می کشند و در عین حال دارای بالاترین درآمد گمرکی در کشور است که کمترین سهمی از این درآمد کلان متأسفانه عاید استان نمی شود. و بخش عظیمی از مردم با تمام مشقات هنوز به حرفه دریانوردی مشغولند و هر روز برای حداقل معافیت گمرکی تحت عنوان ته لنجی به یک بهانه ای تحت فشارند.

۶- استان بوشهر تنها استان کشور است که نیروی دریایی واقع درآن درآغازین روزهای جنگ تحمیلی نیروی دریایی دشمن را به کلی از حیث انتفاع ساقط کرد و از صحنه جنگ حذف نمود. شاهکارهای نیروی هوایی واقع در استان بوشهر از شمار خارج است. سپاه و بسیج استان ضمن دفاع تمام کمال از مرزهای استان به یاری سایر استان ها شتافتند و چه بزرگ مردانی که در این مسیر به ملکوت اعلا پیوستند. که خلق بزرگترین حماسه قرن توسط شهید مهدوی و یارانش در خلیج فارس در مواجهه مستقیم با متجاوزان آمریکایی تنها بخشی از رشادت ها و از خودگذشتگی های غیور مردان سپاه و بسیج استان بود. اما از بد حادثه تنها استانی است که تمام هشت سال جنگ شبانه روز مورد هجوم دشمن بود و پس از جنگ به عنوان یک استان جنگی از مزایای استان های جنگی برخوردار نشد.

۷- استان بوشهر تنها استانی است که به رغم این همه ثروت، مردمش در طول سال تشنگی و بی آبی را تجربه می کنند. و تنها استانی است که با داشتن نیروگاه اتمی در مدار، با تولید هزار مگاوات برق، در طول تابستان از کمبود برق رنج می برند. و تنها استانی است که دو بانده سازی مسیر شیراز به بوشهر پس از گذشت چهل سال از انقلاب هنوز کامل نشده است. و تنها استانی است که سهم بیکاران آن در پروژه های اشتغال زای نفت و گاز واقع در استان در حداقل ممکن قرار دارد. و ...

۸- جناب آقای دکتر روحانی عزیز، استان بوشهر تنها استان کشور است، که اگر از استان زادگاه سید محبوب خاتمی عزیز صرف نظر کنیم، در خرداد سال هفتاد و شش بالاترین رأی به تحول خواهی، اصلاحات و ضرورت احیا آرمان های انقلاب را به صندوق ها ریختند.

۹- استان بوشهر از معدود استان های کشور است که به رغم همه فشارها، وجود فقر، بیکاری و ...، مردمش در سال ۹۶ گیوه ورکشیده سهم رأی خود به تداوم دولت اعتدال و عقلانیت را هشت درصد افزایش دادند.

۱۰- و اما آخرین و مهمترین نکته که می تواند علت العلل همه کم لطفی های پیش گفته به مردم بوشهر طی چهار دهه پس از انقلاب باشد، بوشهر تنها استانی است که هیچ سهمی در سبد قدرت نظام اسلامی بویژه دولت طی این چهار دهه نداشته و ندارد.

عمری که بر باد نرفت...

قدیمی‌ترین معلم استان بوشهر به دیار باقی شتافت

به گفته زنده‌یاد قیصر امین‌پور، «چقدر زود دیر می‌شود» و وقتی به خود می‌آیی که مجالی نمانده تا مرور کنی «کجا بوده‌ای، چه کرده‌ای و چه‌ها کشیده‌ای» از عمری که بر باد رفت یا نرفت. اما زنده‌یاد عباس میگلی فرصت یافت تا گاهی وقت‌ها با نشریه‌ای یا سایتی واگویه‌ها و تجربه‌هایش را در اختیار دیگران قرار دهد و بگوید «عمرم در زلال محبت این مردم بر باد نرفت». او به عشق همین مردم، ۳۰ سال خدمت کرد و بیش از ۴۰ سال نیز بعد از خدمت در بین آنها ماند تا شرح دردها، رنج‌ها، خوشی‌ها و ناخوشی‌ها را برایشان بازگو کند:

از سال ۱۳۲۲ که در سن ۱۷ سالگی لباس معلمی/ مدیری به تن می کند و ۳۱ سال خدمت را از خارگ و بوشهر، بندر دیلم و بندرریگ و از آنجا به روستای بنه‌گز و سپس بندرکنگان و دست آخر اهرم، آرام و قرار ندارد. زمانی هم که در اهرم بازنشسته می‌شود، بیل برمی‌دارد و کشاورزی می کند.

هر جا که مدرسه نیست، دست به کار می‌شود برای ساختن «کپری» برای بچه‌های این دیار تا بتوانند دور هم جمع شوند و به دنیای سواد و کتاب گام نهند. وقتی هم که گچ و تخته سیاه، و میز و نیمکتی در کار نبود، او خود آنها را می‌ساخت تا امروز با افتخار بگوید: معطل نمی‌ماندیم که برایمان امکانات بیاورند، بلکه هر چه نبود، خود می‌ساختیم به پاس مظلومیت بچه‌هایی که در حاشیه بودند.

یاد و نام قدیمی‌ترین معلم استان بوشهر ـ زنده‌یاد عباس میگلی ـ تا ابد بر سر زبان‌ها جاری خواهد بود و شبیه چشمه‌ساری در لابلای برگ‌های دفتر امروزی‌ها جاری خواهد شد تا معلمان و دانش‌آموزان امروز آیین «دانش‌آموزی» و «معلمی» را بیاموزند.

یادش گرامی است، روانش تابناک و مرام مردانگی‌اش بی‌رهرو نخواهد ماند.

(هیأت مدیره کانون بازنشستگان آموزش و پرورش استان بوشهر)



ماجرای نهنگ‌سواری بچه های بوشهر



«این نهنگ‌ها و ماهی‌ها همه زندگی و کسب‌وکار ما هستند، چرا باید کاری کنیم که آزار ببینند.»

رحمت جوان بوشهری که فیلم ۴۰ ثانیه‌ای نهنگ‌سواری او در ساحل خلیج‌فارس، دریای تلگرام را پیمود، این حرف‌ها را در گفت‌وگو با فرید عطارزاده، گزارش‌گر روزنامه هفت‌صبح، گفته و ماجرای گرفتن آن فیلم را تعریف کرده است.

رحمت ۲۵ساله که دیپلمه برق است و صیادی می‌کند، روز ۱۵تیر هم‌زمان با آغاز «ماهی‌بس» یک‌ماهه، ممنوعیت دولتی در روزهای تخم‌گذاری ماهی‌ها، مشغول جمع‌آوری وسایل صیادی بوده که سروکله یک نهنگ عنبر پیدا می‌شود.

رِحمت می‌گوید این نهنگ‌ها که در زبان محلی کَرماهی خوانده می‌شوند، هر چند سال یک بار دیده می‌شوند.

عظیم‌الجثه‌ترین نهنگ جهان، رحمت را نترسانده چون از بچگی صیادی کرده و می‌دانسته نهنگ عنبر، بی‌آزار و آرام است. او تا حالا سوار آن‌ها نشده بود و برای یک لحظه تصمیم می گیرد که از نهنگ سواری بگیرد.

رحمت در واکنش به موج کامنت‌های تند علیه او در شبکه‌های اجتماعی، می گوید وقتی در یک اداره کار می کنید حواس‌تان هست که تا به سیستم آن آسیب نزنید. خلیج‌فارس برای ما اداره است و روزی‌مان را می‌دهد.

رحمت از کارش دفاع نمی‌کند ولی معتقد است وزن او هرگز آسیبی برای نهنگ عظیم ندارد. او گفته بیش‌ترین شمار نهنگ‌های عنبر، در تصادف با کشتی‌های نفتی و باری کشته می‌شوند.

او گفته بارها نهنگ‌های بزرگ در تورهای گران‌قیمت‌شان گیر کرده ولی تورها را پاره کرده‌اند و آن‌ها را نجات داده‌اند.

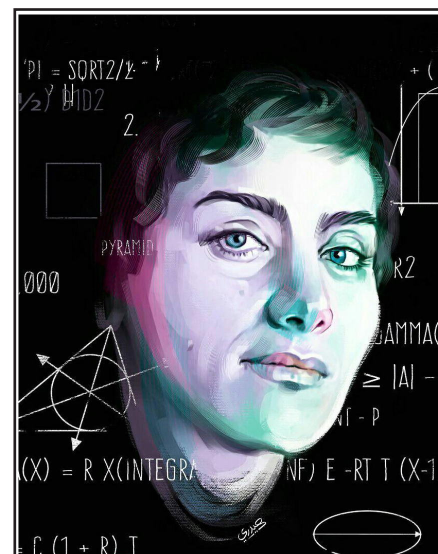
رحمت خبر داده اهالی کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس حاضرند برای دم نهنگ‌های عنبر میلیون‌ها تومان پول خرج کنند ولی صیادهای ایرانی این نهنگ‌ها را شکار نمی کنند.

محمدامین طلب، رئیس دریایی حفاظت محیط‌زیست بوشهر، هم به هفت‌صبح گفته رحمت خلافی انجام نداده که جریمه‌اش کنیم ولی او را به اداره فراخوانده‌ایم تا به صیادها یاد بدهیم وقتی این گونه بسیار نادر نهنگ را دیدند چه کنند. و نقاط حرکتی این نهنگ را به ما گزارش دهند.

امین‌طلب تأکید کرده آن‌چه در فیلم دیده شد، نهنگ نیست بلکه ماهی غول‌پیکری است که به خاطر بزرگ‌بودن‌اش کوسه‌نهنگ نامیده شده است.

امین‌طلب افزوده نهنگ‌سواری رحمت به نهنگ آسیبی نمی‌زند ولی ممکن است احساس امنیت این حیوان را از او بگیرد. البته این حیوان هیچ آسیبی به انسان نمی‌زند.

رحمت به قول گزارش‌گر هفت‌صبح در آخرین روز کاری مثل ما که در آخرین روز امتحانات از شوق تعطیلی‌ها کتاب‌ها را به هوا پرتاب می‌کردیم، به خودش و دوستان و کلی آدم دیگر شور و شوق داد.



مرگ او
زندگی دوم او بود که گردید آغاز
شیشه‌ی عطری سربسته
افتاد و شکست
همگان بو بردند
که چه چیزی را دادند از دست
(شعر: محمدرضا شفیعی کدکنی)

"تلخ تر از" مرگ زیستی یک نخبه (در هر رشته و عرصه ای) قتل آن نخبه هاست، نه قتل فیزیکی و به معنی عام، وقتی که ما موجب می شویم نخبه ای عزلت نشینی را برگزیند، یا غربت را بر وطن ترجیح دهد در واقع آن نخبه را به قتل رساندیم و مریم و امثال مریم ها خیلی وقته پیش از بین ما رفتند و در دنیای دیگر آسوده هستند و ما خبر نداریم، بی خودی پیام تسلیت ندهند، نخبگان را دریابید، سوگواری پیشکش!/حیدر ولیزاده

نوشته‌ای از جوانترین استاندار دولت تدبیر و امید؛

ترکیب کابینه دوازدهم؛ جوانگرایی یا جوانمردگرایی

مصطفی سالاری



ملت ایران در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶، بار دیگر بر مبنای گفتمان صلح و تعامل، عقلگرایی و تدبیر، قانونمندی و قانون‌گرایی، برابری و نفی تبعیض قومیتی و جنسیتی، مردمسالاری و آزادی برای تعیین سرنوشت، با دکتر روحانی هم پیمان شدند.

در این تجدید پیمان، رأی قاطع و دگرباره مردم، پیش نیاز و گام نخستین بود ولی تحقق مفاد پیمان، نیازمند استمرار حضور و حمایت مردم از یکسو و اعمال رأی و نظر مردم، از سوی دیگر است.

در این رابطه طرفینی و تعاملی، اولین انتظار هم پیمانان و حامیان اندیشمند، وفادار و قدرشناس دکتر روحانی، تشکیل دولتی است کارآمد، پویا، چابک، هماهنگ و مقتدر.

یاران دکتر روحانی، بر این مبنا، باید از جنس خود ایشان یعنی امین، فداکار، شجاع، جسور، سرزنده، مردمی، قاطع، متخصص و کاردان باشند.

اما نکته مهم اینکه چنین یارانی با معیار جوانگرایی برگزیده می شوند یا جوانمردگرایی؟ اهداف مورد انتظار، ماحصل جوانی است یا جوانمردی؟

می توان گفت هر جوان، الزاما جوانمرد نیست و هر جوانمرد هم حتماً جوان نیست، لذا رابطه جوانی و جوانمردی، عموم و خصوص مطلق نیست. در معیار جوانی، شرایط سنی، فارغ از سایر معیارها و خصوصیات، مطرح است ولی جوانمردی، در ادبیات پارسی، قرین واژه پهلوانی و در روایات دینی ما، متصِّف به خصوصیات برجسته اخلاقی و انسانی است. ملتِ ایران، برای طی طریقی سخت و پرفراز و نشیبی که پیش رو دارد، با دکتر روحانی هم پیمان شده‌اند و ایشان این راه را باید با یارانی جوانمرد و متمایز بپیمایند.

دکتر روحانی، یاران کاردانی می‌خواهد که طبق معیارهای جوانمردی، امین، فداکار، مردمدار، رادمرد، بلندهمت، قدرشناس، شجاع، اهل هزینه دادن، جسور، باورمند به عهد و مفاد پیمان ایشان با ملت، شیرمرد و شیرزن روزهای سخت و از خودگذشته بوده و در مقابل سختی ها، راحت طلبی و عافیت طلبی و محافظه‌کاری پیشه ننمایند و نه تنها هزینه‌های ایستادگی را بر دوش ایشان نگذارند، بلکه بیش از سهم خود بر دوش کشند.

اگر چنین است، معیار دکتر روحانی در انتخاب یاران، جوانمردگرایی نیز خواهد بود وگرچه اگر خصایص جوانمردی با ایام جوانی قرین شود، اولی است، ولی نباید انتظار داشت جوانمردگرایی فدای جوانی و سن و سال شود، بلکه ویژگی ها و خصائص جوانی با جوهره جوانمردی امکان ظهور می‌یابد.

منبع: روزنامه شرق

بیانیه حزب ندای ایرانیان شعبه بوشهر

لزوم استفاده از جوانان در عرصه مدیریتی استان بوشهر

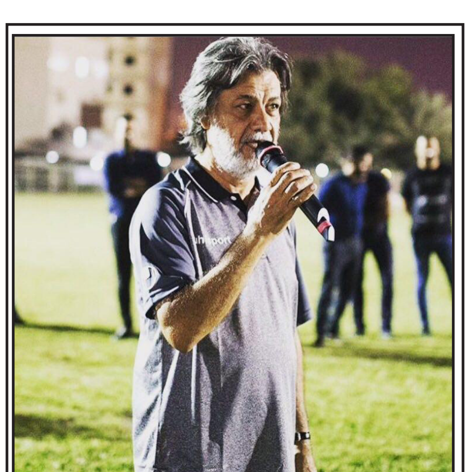
انتخابات ریاست جمهوری دوره های یازدهم و دوازدهم که یکی از نتایج ملموس آن حاکمیت عقلانیت و منطق بر همه ی امور کشور بود، نکات بسیاری را برای همه فعالین و دست اندرکاران امر هویدا ساخت. نکاتی که گاها مورد غفلت یا کم توجهی قرار گرفته اند و عدم توجه ویژه به آنها قطعا دولت را با چالش های جدی چه در کوتاه مدت و چه در بلندمدت مواجه خواهد نمود. به جرأت می توان گفت کلیدی ترین و حساس ترین این نکات، نقش و پتانسیل جوانان است. باید اذعان نمود که همیشه، قبل و حین انتخابات جوانان رکن رکین به شمار می آیند و بعد از آن تبدیل به ناپختگانی می شوند که باید فعلا به ممارست انتخاباتی مشغول باشند و کسب تجربه نمایند. جوانان اصلاح طلب کشور و تبع آن جوانان استان بوشهر در همه مقاطع تاریخ سیاسی ناب ترین، بی ریا ترین و هوشمندانه ترین کنش های سیاسی را از خود بروز داده اند. بلا تردید صدر، ضمن و ذیل همه فعالیت های سیاسی بدون حضور آنان عقیم و ابتر خواهد ماند. جوانانی که از دوم خرداد با اندیشه اصلاح طلبی عجین و همراه بوده اند و امروز شاید گرد پیری بر چهره برخی از آنان نیز نشسته باشد، نصیب متناسبی از موقعیت های مدیریتی نبرده اند و هیچگاه فرصت اثبات توانایی های خود را در این حوزه بدست نیاورده اند. این گزاره به معنای به هیچ انگاشتن تغییر رویکردهای مدیریتی نسبت به جوانان نیست بلکه بدین معناست که با مورد نظر قرار دادن پتانسیل بالای جوانان حوزه تأثیرگذاری بیشتری برای ایشان در نظر گرفته شود.

دولت در آستانه تشکیل کابینه دوازدهم، دریافته که نیاز به انجام یک خانه تکانی معنا دار و محسوس دارد تا بتواند دغدغه های اکثریت مردم را مرتفع نماید. بدیهی است با جابجایی مدیران مسن به جای یکدیگر و عدم تربیت نسل جوان مدیریتی این امر میسر نخواهد گشت. در هیچ جامعه ای تغییری ایجاد نشده مگر به همت، قوت و قدرت جوانان. حال چگونه است که در بها دادن به این قشر دچار لکنت و بی عملی می شویم.

ضمن توجه و بکارگیری جوانان در عرصه مدیریت استان در چهار سال گذشته، حزب ندای ایرانیان به عنوان یکی از جوان ترین احزاب کشور و استان خود را مکلف می داند که به نمایندگی از تمام جوانان همراه دولت خواستار عنایت جدی تر به این قشر همیشه مغفول (از همه طیف های متکثر اصلاح طلبی) گردد و از کسانی که سال ها تجربه مدیریت دارند انتظار دارد که در این راه مشاورانی گرانقدر برای مدیران جوان باشند. نه اینکه با توجه به سال ها سابقه و تجربه فقط عرصه را برای جوانان تنگ نمایند و در رایزنی ها گوی سبقت از این طبقه از جامعه را بربایند. آنچه بدیهی است حذف مدیران کارآمد و مجرب مد نظر حزب ندای ایرانیان نبوده، بلکه مراد رعایت تناسب و آینده نگری است و ارائه راه حلی جهت خروج استان از بحران خلا نیروی مدیریتی و تربیت نسل جدیدی از مدیران است.

باور به قدرت جوانان، بن مایه حرکت به سمت اندیشه های نوین مدیریت است، هر چند که نقصان هایی هم به همراه داشته باشد. جامعه بدون حضور جوانان یک جامعه خمود و خاموش و خسته خواهد بود. دغدغه جوانان را داشتن به معنای کودتا علیه مجربین و سابقون نیست بلکه تذکر و یادآوری نقش و مطالبات جمعیت جوان است.

حزب ندای ایرانیان شعبه استان بوشهر



اوست پایدار

درگذشت نابهنگام مرد بزرگ فوتبال بوشهر، استاد عزیز کریم تاجدینی ضایعه ی بزرگی برای ورزش استان است.

مربی اخلاق و آموزگاری مهربان که تربیت کننده نسل موفق فوتبال بوشهر بود.

یاد و خاطر این بزرگمرد که به دیدار یار و همراهش استاد ناصر خرسند، از دار فانی پر کشید همواره در ذهن دوستداران ایران جوان و جامعه فوتبال بوشهر خواهد ماند.

روحش شاد و یادش گرامی باد
مؤسسه فرهنگی ورزشی ایران جوان بوشهر